

شیطان بزرگ - آمریکا در برابر ماست متحد باشیم!



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۷
شنبه ۱۵ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۲۷ محرم ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

در سروز گذشته در تمام جبههها:

رزمندگان انقلاب بابر تری قدرت آتش، تلفات سنگینی به متجاوزان وارد کردند

نبرد مدافعان انقلاب با متجاوزان رژیم صدام در تمام جبههها با شدت تمام ادامه دارد و رزمندگان انقلاب توانستهاند ضربات مهلکی بر متجاوزین وارد آورند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۳۲۷ خود عملیات رزمی روزهای ۱۲ و ۱۳ آذر را بدین شرح اعلام کرد:

دالف: عملیات ۱۳ آذرماه. ۱- ساعت ۱۰ صبح دیروز (پنجشنبه) توپخانه دوربرد نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران تاسیسات اقتصادی و حیاتی فاو را زیر آتش قرار داده و خساراتی به آنها وارد کرد. ۲- در ساعت ۱۰:۳۵ روز گذشته (پنجشنبه) نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران با خمپارهانداز مواضع و سنگرهای دشمن متجاوز را در منطقه آبدان درم کوبید که بر اثر آن یک چادر مهمات دشمن منفجر و ۲ سنگر مزدوران عراق منهدم شد. ۳- ساعت ۱۱ بامداد دیروز (پنجشنبه) نیروهای دشمن در منطقه آلدرد و حوالی آن به شدت زیر آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی واقع و صدماتی به آنها وارد شد. ۴- توپخانه رزمندگان اسلام مستقر در خوین شش مواضع نیروهای دشمن در امارساس را کلوله. باران کرد که در نتیجه قسمتی از گارد مرزی عراق ناچار به عقب نشینی شد.

ب: عملیات ۱۲ آذرماه. ۱- در منطقه آبدان رزمندگان هواپیمای نیروی زمینی، هوایروز،

بحران پولی (کمبود اسکناس) عمدی است باید با عوامل ایجاد کننده آن قاطعانه مبارزه کرد

در پایان جلسه هیئت دولت (۱۰ آذر ۱۳۵۹) آقای مصدق در بیان مشکلات ناشی از بحران نقدینگی یا کمبود اسکناس را بدینصورت توضیح داد:

بحران نقدینگی، که به کمبود اسکناس در جریان، در شعب بانکها، در معاملات و در دست مردم انجامیده، بحران ناشی از گرفتاریهای فنی در امر چاپ و توزیع بوقع اسکناسهای جدید است.

نخست وزیر یادآور شد که با بحران نقدینگی اسکناسهای موجود در بازار، خودداری کسبه از بازگشت دادن نقدینگی به بانکها، پدیده‌ای تمایل به حفظ اسکناس و پول نقد در نزد مردم و همچنین این امر که چاپ و انتشار اسکناسهای جدید بوقع صورت نگیرد و پیشبینیهای لازم در این کار بعمل نیامده، و نیز عوارض ناشی از جنگ، که مانع از نقل و انتقال طبیعی نقدینگی از یک شهر به شهر دیگر گردیده

همه اینها موجبات بحران کنونی را بصورت کمبود نقدینگی و اسکناس در جریان فراهم آورده است.

آقای نخست وزیر در مساجحه خود، ضمن دادن این وعده که حداکثر تا یکماه دیکی مقدار لازم اسکناس وارد و بچریان خواهد افتاد و همچنین از امکانات موجود داخلی نیز برای افزایش اسکناس در جریان استفاده بعمل خواهد آمد، از مردم تقاضا کرد که پولهای اضافی را نزد خود نگاه ندارند.

نخست وزیر از مردم خواست که پولهای خود را به بانکها سپارند، تا به بهترین وجه از نقدینگی آنها محافظت بعمل آید و هم گردش پول در کشور رضع عادی خود را بازیابد.

نخست وزیر همچنین از مردم خواست که در صندوقهای پس انداز حساب باز کنند و از این راه نیز به گشایش در امر گردش اسکناس و پول و بر رفع بحران کمک شود.

اظهارات نخست وزیر در مساجحه

ضرورت تحول انقلابی در آموزش و پرورش

با روح انقلاب فداکاری و خلتی خود مهاجرت ما می توانستیم چاپ کتابهای جدید را بوقع آغاز کنیم، تا چنین پیش نیاید که چند ماه پس از شروع سال تحصیلی، هنوز برخی کتابها در دسترس دانش آموزان نباشند. ما می توانستیم از نیروی جوانان مومن به انقلاب در وزارت آموزش و پرورش و درواطلبان معلمی و دبیری، که باور به انقلاب دارند، چنان استفاده کنیم که امروز برخی کلاسها و رشتهها فاقد معلم نباشند.

متأسفانه در گذشته عدم ایاز مسئولان، بدون توجه به تمامی مسائل عمده آموزش و پرورش، یک بعدی عمل کرده و توجه خود را فقط به امر پاکسازی مطوف داشته اند، آنهم غالباً نه از مجرای صحیح و استوار بر معیارهای درست. آنان ضوابط پاکسازی را چنان تعیین کردند که بسیاری از معلمان و دبیران مجرب و انقلابی، فقط به دلیل «چپ بودن»، از وزارت آموزش و پرورش پاکسازی شدند. و این در حالی بود که بسیاری از عناصر ضد انقلابی، با مسلمان نامائی در مشاغل خود باقی ماندند. با توجه به این واقعیت تلخ است که آقای دکتر باهر میگوید:

بقیه در صفحه ۷

آقای دکتر باهر، وزیر جدید آموزش و پرورش، طی خطبه قبل از نماز جمعه در مساجه ای با خبرنگاران گراید (۷ آذر ۵۹) نظریات خویش را درباره مسائل گوناگون آموزش و پرورش به طور جامع و مشروح بیان داشت. این نظریات، که در اکثریت خود مورد تأیید ماست، بیانگر مشکلاتی است که آموزش و پرورش کشور با آن روبروست و باید هرچه زودتر راه حل خود را بیابد.

آقای دکتر باهر در اهمیت نقش وزارت آموزش و پرورش بدرستی خاطر نشان کرد که:

«این وزارتخانه حدود یک چهارم کل جامعه، با ۵۰۰ هزار معلم و کادر آموزشی را دربر میگیرد، که اینان یک شبکه وسیع ارتباطی را تشکیل میدهند و رابطه شان با تمام خانواده ها است.»

و صیت رفیق شهید محمد رضا آذرین:
اگر شهید شدم، نامم را مثل رفیق عسکر در صفحه اول نامه مردم بنویسید

رفیق قربان، توده ای شهید محمد رضا آذرین، چنانکه قبلاً اعلام کردیم، روز ۲۶ مردماه ۵۹ در سنگر نبرد با شیطان بزرگ - آمریکا و شیطان کوچک - صدام به شهادت رسید و به قافله خونین شهدای توده ای پیوست.

توجه خوانندگان را به زندگینامه رفیق شهید، که متأسفانه به علت ارتباط دشوار با مناطق در حال جنگ، اکنون بدست ما رسیده است، جلب می کنیم:

رفیق شهید محمد رضا آذرین در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۴۱ در محله کاروان آبادان، که یکی از محلات زحمتکش آبادان است، چشم بردنیای پر از ستاره آریامری شهید، رفیق به مطالعه و موسیقی روی آورد. رفیق آذرین عاشق آثار چایکوفسکی، بتشون و شوستاکوویچ بود.

درباره آنها می گفت:

مجروحان انقلاب:
ملت هوشیار ایران ... مشت محکمی به دهان مرتجعین انقلابی نما خواهد زد

ما هستند، همواره برخاسته و قصد آن دارند که نقش روشنفکران غرب زده ای چون «دشتی» را در انقلاب مشروطیت بازی نمانند. غافل از اینکه ملت هشیار ایران بار دیگر فریب اینگونه سیاست های استعماری و کهنه شده را نخواهد خورد و مشت محکمی به دهان این مرتجعین انقلابی نما خواهد زد.

در بخش دیگری از این اطلاعیه، معاونین انقلاب، عملیات نق - افکنانه را محکوم کرده و متذکر

«این سه موسیقیدان هر کدام به دوره خاصی از تاریخ تعلق دارند، چایکوفسکی به انسان آرامش میدهد، بتشون انسان را بی حرکت وامیدارد و در سمفونی های شوستاکوویچ همه چیز هست.»

با آغاز انقلاب پر شکوه ایران، رفیق آذرین، که همیشه می گفت: «من هنوز چیزی نمی دانم، اما بخاطر نفرت از حکومت فاشیستی شاه می جنگم»، به مبارزات خلق پیوست و در اینجا بود که با یک رفیق توده ای، که با او نسبتی داشت، همکاری را آغاز کرد. او اعلامیه ها و تراکتهای حزب توده ایران را در میان توده ها پخش می کرد.

بعد از پیروزی انقلاب، برای مدت کوتاهی رابطه رفیق آذرین با رفیق توده ای قطع شد. اما رفیق شهید خیلی زود رفیق توده ای را پیدا کرد و اولین جمله ای که با او گفت، این بود:

«اطرافم را در مدرسه پر

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

شیطان بزرگ...

بقیه از صفحه ۱

سربندی، همه توطئه‌های امپریالیسم جهانی سرگردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی پرورده آن را نقش بر آب ساخته و چندین مصاف تاریخی را با پیروزی به پایان رسانده است. بزرگترین و برنده‌ترین سلاح مردم انقلابی کشور ما در این نبردهای نابرابر علیه دشمنان داخلی و خارجی، اول - ایمان راسخ و خلی ناپذیر به حقانیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دوم - اتحاد بدون تزلزل مردم بر پایه این ایمان انقلابی زیر رهبری امام خمینی بوده است.

دشمنان خارجی و داخلی، یعنی امپریالیسم، سرگردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی پرورده آن، باین در سلاح برنده - رب و قوف کامل دارند و لذا تمام کوشش خود را متوجه این هدف موزیانه و حیل‌گرانه کرده‌اند که: اولاً - ایمان به حقانیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در مردم متزلزل کنند و ثانیاً با استفاده از این تزلزل، اتحاد مردم را متلاشی، صفوف متحد مردم را متفرق و کار سنگر انقلاب را به هم‌ریختن و انهدام بکشانند.

امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی ستون‌نجم آن، برای نیل باین هدف با وسایل گوناگونی استفاده می‌کنند: اولاً - می‌کوشند عمده‌ترین مسئله، یعنی واقعیت انقلاب را که یک تحول کیفی تاریخی در کشور ما ایجاد کرده و ضرورت دفاع از این انقلاب راه‌پدرجۀ دوم اهمیت برده، ولی مسائل غیرعمده زندگی جامعه را بمسائل عمده مبدل سازند و از این مسائل مردمی، که اصلاً به امپریالیسم و ضدانقلاب مربوط نیست، بسود خود بهره‌گیری کنند.

مثلاً فلان شمار حق، از آن خلق است، ولی خلقی بخاطر مسئله عمده‌تر، که حفظ انقلاب و تداوم و تعمیق آنست، فعلاً این حق خود را آگاهانه مسکوت می‌گذارد. اما دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، این شمار حق را از مردم محسوب می‌کنند و بزور عوام‌فریبی و هوچیگری

و جنجال و پشیمانی عمده‌ترین خواسته، که اگر برآورده نشود، دنیا و ایران خواهد شد!، مطابق با هدف ضد خلقی خود مطرح می‌کنند، تا عمده‌ترین مسئله این مرحله، که حفظ و تداوم و تعمیق خود انقلابست، بصورت غیرعمده و تابع درآید، بصف عقب برود و از یاد فراموش گردد. یا مثلاً، بار مشکلات گوناگونی بگردۀ محرومان و زحمتکشان است. ولی درحالی‌که خود زحمتکشان و محرومان آگاهانه و بخاطر انقلاب و با بزرگواری این بار را تحمل می‌کنند، جمهوری اسلامی، که خود غارت‌کنندگان این مردم هستند، هم به این مشکلات دامن می‌زنند و هم آنرا عمده می‌کنند!

و یا حزبی مانند حزب توده ایران، که قریب‌چهل سال است علیه امپریالیسم و ازتجاج و در راه استقلال و آزادی و ترقی ایران و سعادت مردم زحمتکش آن می‌رزد و در این راه دهها هزار قربانی داده، مرکز و دفاترش بناحق مورد اشغال غیرقانونی قرار می‌گیرد (که هنوز هم ادامه دارد) و با وجود این و بخاطر حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، ضمن اعتراض به این عمل غیر-قانونی و غیرعادلانه، از کوچکترین حرکتی که خلیلی به ارکان نظام انقلابی کشورمان وارد سازد، خودداری می‌کند. ولی متخالفان خط ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، یعنی لیبرالها، با اینکه انواع مقامات و امکانات را در اختیار دارند و آزادانه هر کار بخواهند می‌کنند، با آنچه در زمینه نقض «امنیّت قضائی» و «قانونیّت» و «آزادی» وجود دارد، در «عزای آزادی» مرتبه می‌دهند و برای درهم‌ریختن وحدت خلق جنجال بیامی-کنند.

و تکیه غیرعمده‌ای عمده را گرفت دیگر مراد دشمنان انقلاب حاصل است. براین روال، می‌توان بخاطر هر کمبود غیرعمده‌ای که در کار حکومت انقلاب مشاهده می‌شود، سولو در جای خود بحد و واقعی - مستقیماً بر انقلاب، که عمده و اصل است، تاخت و آنرا از قدر و منزلت ساقط کرد و ایمان انقلابی توده‌ها را متزلزل ساخت و یک تحریک

معنوی و روحی واقعی در صفوف انقلاب بوجود آورد. لایزال می‌کوشند در صفوف نیروهای پشتیبان جمهوری اسلامی ایران و قیلاز همه درمیان روحانیت مبارز ره‌آوران سوسیالیسم علمی نفاق، خصومت و حتی تصادم بوجود بیاورند. از سوی برای روحانیت مبارز پرورده «القاء ایدئولوژی» درست می‌کنند و هر کار ضد امپریالیستی و انقلابی و مترقی و مردمی آنها را با برچسب «برنامه مارکسیستی» مسود و هوچیگری و تخطئه قرار می‌دهند، و از سوی دیگر دفاع صادقانه و جان‌پرکف حزب توده ایران را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران «سائوسی»، «پرتنگ» و غیره می‌نامند و برای آن پرورنده مخالفت با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می-سازند.

ازسوی با تحریک پیشداوریایی که تبلیغات سی‌ساله ضد توده‌ای سیا، موساد و اینتلجنس سرویس و ساواک شاه ملعون برجامه ما باقی گذاشته، برخی محافل صدیق، ولی ناگاه راه‌گفتارها و کردارهای ناروای ضد توده‌ای تحریک می‌کنند - که مانوئیستها و «ترپچه‌های پوت» دیگر در این تحریکات و خرابکاریها نقش ویژه‌ای دارند و ازسوی دیگری استفاده از اختلافات شخصی و گروهی و ذهنیگری، در داخل صفوف خود مسلمانان انقلابی و روحانیت مبارز هم تلاطم و بگومگو بوجود می‌آورند. ثالثاً روحانیت مبارز بر رهبری امام خمینی را مورد حمله قرار می‌دهند تا این ستاد رهبری انقلاب را تضعیف کنند و بزیرترین سد سیاسی موجود را از سر بر امپریالیسم و ضدانقلاب بردارند.

در سبیل «امپریالیسم خیری» در منجذاب روحیات و اخلاقیات بی‌بندوبار فاسد مصرنی موروث رژیم طاغوت، در میان امواج ظلمتی که رژیم طاغوت و ساواک متوروش بکمک مانوئیستها و دیگر ضدانقلابیون برپا کرده‌اند، در پراپس «جنود شیطان» سیا و ساواک و موساد و اینتلجنس سرویس و فراماسونری و غیره، که نیم قرن در این کشور اسیر و بلازده ما پرورده شده و تعلیم یافته و با هزار پرده و نقاب بیان مردم ساده و

جاسفد رها شده‌اند، در میان تبلیغات و فعالیت‌های لیبرالها - که جاده صاف کن ضد انقلاب‌اند در یک چنین محیطی و با درک این واقعیت که انقلاب ایران پشت امپریالیسم آمریکا را شکسته و آمریکا باین آسانی از گریبان ما دست بردار نخواهد شد، انقلابیون ایران باید هشیاری خود را هزار چندان کنند.

باید از روی درک و آگاهی و با چشم باز ایمان به حقانیت انقلاب را از هر گزندی مصون داشت و برپایه این ایمان انقلابی، نیروهای صدیق به انقلاب را سازش قوم و قبیله و مسلک و عقیده‌ای - زیر رهبری امام خمینی، چون مردمک دیده حفظ کرد.

ما توده‌ایا بنویه خودباین ضرورت‌های زمان خود و تاریخ مبین و خلق خود آگاهی کامل داریم و به آنچه بدیدیم مبارزان انقلابی توصیه می‌کنیم، ما خود عمل کرده‌ایم و می‌کنیم. هیچ سوسه‌ای نتوانست و نخواهد توانست درک را که بر اساس علم از انقلاب بزرگ ایران داریم، محو کند و هیچ سفسطه و گدازهای نخواهد توانست ما را از تشخیص واقعیت‌های مبین خود، انقلاب خود و نیروی رهبری‌کننده این انقلاب عاجز و یا منحرف کند.

این تلاش خشکی ناپذیر، در راه اتحاد نیروهای انقلابی و خلقی، در راه وحدت خلق، از آنجاست که ما شاهد فجایع بزرگی در تاریخ کشور خود بوده‌ایم و اگر دیگران هم در سبیل تاریخ را فراموش کرده باشند، ما بر حسب مسئولیت عظیم تاریخی خود، حق نداریم و نمی‌توانیم که ناپنیایان و چاه رابینیم و خاموش بنشینیم. در گذشته دور، ما توده‌ایها مانند امروز فریاد اتحاد می‌کنیدیم، ولسی کسانی آنرا تشنیدند و چنین انقلابی را به شکست رساندند.

حالا هم، پشهادت تاریخ، ما فریاد اتحاد می‌کنیم. باشد که این بار این ندای حق بازتاب بحق را داشته باشد و جنبه متحد خلق را، که مطمئن‌ترین رقیه برای پیروزی قطعی و نهایی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و ایجاد ایرانی مستقل، آزاد، آباد و مترقی است بوجود آورد.

یک زمان و در مورد کلیه پولها و بطور غافلگیرانه صورت گیرد، تا هیچ کس نتواند از این کار مهم دولتی و انقلابی سواستفاده کند. ضمناً جز مبلغ متوسط معینی، که بصورت جاری تعویض خواهد شد، معیار تعویض بقیه پولها با اسکناس جدید، باید پولهای باشد که اشخاص در بانکها دارند. غیر از این راه دیگری برای خارج کردن اهرم پولی - مالی از دست سرمایه داران وابسته و عوامل ضد انقلاب، که به دستگرمی امپریالیسم و اهرمهای قوی پولی و مالی آن، به ضدیت با جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند، رجوع ندارد.

ضمناً باید خاطرنشان ساخت که اقدام اخیر از نظر رفع عواقب سونی که جنگ تجاوز کارانه رژیم جنایتکار صدام بیار آورده و مالا قسمتی از پولهای کشور در مناطق اشغالی - جنگ آنها افتاده ضرور است. بدون اینکه این پولها و پولهای را که ضد انقلاب تصرف کرده و در اختیار گرفته، از راه نشر اسکناسهای جدید بطور یکرمان و غافلگیرانه از اعتبار بیاندازیم، حتی در اقدامات خود به منظور نوسازی اقتصاد پس از جنگ و رفع مشکلات آن نیز نخواهیم توانست موفق باشیم.

البته این اقدامات به مذاق سرمایه داران وابسته و آنها که پول کشور را نیز احتکار می‌کنند، خوش نمی‌آید. بهمین جهت طبیعتاً این عناصر با تمام قوا از انجام این اقدامات جلوگیری خواهند کرد. اما باید دانست که برای حفظ انقلاب و دستاوردهای آن و بازگشت ناپذیر ساختن پیروزیهایی که تا به امروز در مبارزه علیه امپریالیسم - به - سرگردگی آمریکا، و عمال داخلی آن نصب مردم ایران در آخرین تحلیلهای چهارمی نیست، جز تجدید حیات اسکناس بیول رایج در جمهوری اسلامی ایران، آتمه نه بطوریکه بانک مرکزی در مورد خارج کردن اسکناسهای رژیم طاغوت از جریان عمل کرده است. اقدام به چاپ و تعویض اسکناسهای در جریان بایستی

آیت الله دکتر بهشتی: شما (لیبرالها) این آزادی را فقط برای درصد جامعه چیز خوب میدانید

آیت الله دکتر بهشتی رئیس دیوانعالی کشور روز پنجشنبه بعد از ظهر در محل کانون فرهنگی ابوذر در خزانه قلعه مرعی تهران در حضور هزاران نفر از مردم، طی یک سخنرانی، مطالب مهمی در مورد لیبرالیسم بیان کرد. دکتر بهشتی در این سخنرانی سیستم اقتصاد مورد نظر لیبرالها را مورد بررسی قرار داد و «آزادی» مورد نظر این افراد را شرح داد. دکتر بهشتی همچنین گفت: «ما اگر می‌گوییم از حاکمیت و حکومت لیبرالها بر جمهوری اسلامی ایران احساس نگرانی می‌کنیم، از باب اینست که ما عینیت این حاکمیت را در زادگاه تفکر لیبرالیستی (کشورهای اروپایی) دیده‌ایم و شنیده‌ایم... که آنجا راه به سوی تاهی انسان کشوده است نه به سوی شکوفایی انسان...»

دکتر بهشتی در بخشی از سخنان خود به دیدگاه‌های لیبرالها درباره سیستم اقتصادی اشاره کرد و از جمله گفت: «آقای لیبرالیست، قایبی که روی اقتصاد آزاد فردی تکیه می‌کنی. چشم‌پايت را بازتر کن... بین چطور روند اقتصادی سرمایه‌داری جهانی عرصه و میدان عمل را بر افراد انسانها و گروههای کوچک کوچک انسانها تک می‌کند، بطوری که یک انسان می‌بندد تکان نمی‌تواند بخورد...»

«آزادی» لیبرالها برای توده‌ها چیزی ندارد!

دکتر بهشتی افزود: «توده‌های مردم» روز و شب را باید کاسه چه کنیم، جلویشان بگذارند و این کاسه چه کنیم روز به روز برتی و روح و قلبشان روز به روز از شادیا و برخورداریهایی زندگی خالیتر و کیستان هم روز به روز خالیتر باشد. در یک چنین جامعه‌ای این فرد محروم، این بچه متولد شده در یک خانواده محروم امکان تحرک و شکوفایی و خودانگیختگی اش چقدر است مگر؟ بسیار ناچیز، یا یک چیزی نزدیک به صفر. بنابراین به این آقای لیبرال گفته می‌شود، این آزادی که تو می‌گویی چیز خوبی است اما برای تو، چون چیزیش گیر من (مردم) نمی‌آید. این جمله، یک جمله ساده کوچک نیست که ما از آن به‌سادگی بگذریم. ما می‌بینیم که آن آزادی فردی که لیبرالیسم رویش تکیه می‌کند یک خطسیر دارد و به یک سو جلو می‌رود و در این سو ما هر چه جلوتر می‌رویم، یک اقلیت مرفه و برخوردار از بسیاری از آزادی‌های سرمایه‌داری، شنگول، شاداب، برخوردار از ادای امکانات فراوان برای اعمال آزادی‌شان و یک اکثریت محروم را می‌بینیم، رجوع، پژمرده، افسرده و دارای امکانات بسیار ضعیف برای استفاده از آزادی و اعمال آزادی.»

سؤال از لیبرالیسم:

سؤال از لیبرالیسم این است: که آیا شما برآستی این اکثریتی را که در مشکلات طاقت فرسا غولمور شده، این را هم شما برآستی الان آزاد می‌یابید؟ آیا راستی این اکثریت هم امکان اعمال این آزادی را به اندازه آن اقلیت برخوردار مرفه دارد؟ شما این آزادی، آزادی، آزادی را فقط برای ۵٪ جامعه چیز خوب می‌دانید و برای آن ۹۵٪ چیز خوبی نمیدانید؟ یا اگر خوب است برای همه خوب است...»

آیت الله بهشتی در جای دیگر ضمن تأکید بر اجرای قاطع قانون در مورد مبارزه «آزادی‌های نامشروع» و لزوم انجام اینکار توسط ارگانهای مسئول برای جلوگیری از تبلیغات سوا علیه انقلاب گفت: «دیگ بهانه‌ای که گاهی دوستان و شیفتگان انقلاب و اسلام به دست متقدان می‌دهند اینست که کاری که باید دولت و نهادهای قانونی و مسئول بکنند، غیر مسئولی می‌کنند و آنوقت می‌گویند بله، آزادی وجود ندارد. بگذارید این آزادی‌های نامشروع را نهادهای مسئول مبار کنند... افراد و گروهها وقتی کار به اینجا می‌کنند (لزوم اعمال قهر) دخالت غیرمسئولانه نکنند که وقتی دخالت غیر-مسئولانه می‌کنند آنوقت دشمن می‌گوید ما آثارشیم داریم.»

بهزاد نبوی وزیر مشاور: با شکست آمریکا و عراق در جنگ علیه ایران آمریکا توطئه‌های داخلی را در ایران شروع کرده

بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی روز پنجشنبه گذشته ضمن يك مساجبه مطبوعاتی اعلام کرد که «امپریالیسم آمریکا چون دریای است که از طریق جنگ تجاروی رژیم صدام حسین نمی‌تواند جمشود. توطئه‌های داخلی را شروع کرده است.»

وزیر مشاور در این مصاحبه که در سالن کنفرانس نخست-وزیری برگزار شد، ضمن اعلام مطلب بالا، به حادثه آفرینی‌های ضدانقلاب اشاره کرد و گفت: «این مخالفتها... در شرایطی است که ما سخت‌ترین شرایط را در جنگ می‌گذرانیم و احتیاج به وحدت داریم. وی سپس ضمن اشاره به این نکته که ما هیچگونه رابطه‌ای به قیمت وابسته شدن نخواهیم داشت، تصریح کرد:

«و در واقع یک معامله‌ای باشد که وابستگی بیار نیارود، به نفع مردم باشد، آنوقت ممکن است انجام بدهیم.» وزیر مشاور در امور اجرائی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «در واقع این بحث يك بحث انحرافی است، مسئله اصلی جنگ قدرت است... و دولت

بحران پولی...

بقیه از صفحه ۱

واقعیت است، همراه هستیم. اما اگر تمام واقعیت را به بیان نکتیم و نظر مسئولان را به عمق بحران پولی و مالی کشور در لحظه کنونی متوجه سازیم، قطعاً وظیفه خود را در برابر انقلاب بدرستی انجام ندهایم.

بنظر ما، بحران پولی و نقدینگی در لحظه کنونی بر مراتب جدی‌تر از آنست که انرا در بحران کمبود اسکناس در گردش خلاصه کنیم، بویژه آنکه، میزان اسکناس در گردش کم نیست و مبلغ آن یا حجم معاملات در شرایط کنونی کاملاً متناسب است. بحران نقدینگی و اسکناس در جریان، در لحظه کنونی، نه علل طبیعی، بلکه بطور عمده علل مصنوعی دارد. این بحران از خرابکاری عمدی سرمایه‌داری وابسته، عوامل ضدانقلاب و امپریالیسم، به - سرگردگی امپریالیسم آمریکا، سر سیستم پولی و بانکی کشور ناشی می‌شود. بهمین جهت تنها ابزار حس‌نیت برای رفع بحران کافی نیست. برای رفع این بحران باید تصمیمات مالی و پولی متناسب و همه‌جانبه‌ای اتخاذ کرد و این تصمیمات را با استظفار به تأیید و پشتیبانی مردم انقلابی به اجرا درآورد.

قبل از پرداختن به بیان تصمیمات اساسی که باید برای مقابله با خرابکاری ضدانقلاب در امر مهمی مانند سیستم پولی و بانکی اتخاذ کرد، بجااست به سابقه امر توجه کنیم، زیرا بحران کنونی يك شبهه ایجاد نشده و مقدمات آن از مدتی قبل از جانب عوامل ضدانقلاب فراهم گردیده است.

برای مقابله با خرابکاریهای ضدانقلاب در سیستم پولی و بانکی کشور، که وقوع آن حتمی بود، بایستی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب تصمیمات قاطعی در این زمینه اتخاذ می‌شد. مثلاً بایستی بلافاصله به چاپ و انتشار اسکناسهای جدید، آتمه نه بطور مرحله‌ای، بلکه یک زمان، آتمو

غافلگیرانه اقدام می‌شد. تنها در اینصورت بود که اسکناسهایی که در اواخر سلطه طاغوت بخارج کشور انتقال داده شده بود، به اعتبار می‌گردید و جلوگیری از خرابکاریهای ضدانقلاب در امور مالی و پولی کشور گرفته می‌شد. متأسفانه چنین اقدامی، هم در نتیجه عدم آگاهی مسئولین و هم بیشتر برائی مقابله مناسب لیبرال صورت نگرفت. در نتیجه هم پول ریال ایران در دوران پس از انقلاب کم‌اعتبار شد و هم ضدانقلاب توانست به تخریب در سیستم مالی و بانکی کشور بپردازد.

مسئله ملی کردن بانکها و ادغام آنها در یکدیگر و تمرکز امور ارزی و کوتاه کردن دست صرافها و جلوگیری از خروج بیرویه ارز بنامهای گوناگون، که ارتباط ناگسستی با ملی کردن بازرگانی خارجی و اقدامات نظیر آن دارد، از جمله کارهای اساسی دیگری بود که باید بلافاصله پس از انقلاب صورت می‌گرفت و بطور ضربتی و غافلگیرانه به اجرا گذاشته می‌شد. چنانکه می‌دانیم این کارها نیز با مقاومت‌های جدی از جانب سرمایه‌داران وابسته و عوامل آنها در دستک‌های پولی و بانکی کشور مواجه بود و هنوز هم در موارد بسیاری، تصمیمات درست اتخاذ شده یا به اجرا درنیامده و یا بشکل نیمه‌کاره و غیرقانع به اجرا گذاشته شده است.

ضد انقلاب جبهه جدیدی در برابر انقلاب می‌گشاید

احمال و مسامحه در اتخاذ و اجرای تصمیمات اخیر نیز امری بود که بالطبع به سیستم پولی و بانکی کشور لطمه وارد می‌ساخت و به اعتبار آن صدمه می‌زد، و این همان چیزی است که ضد انقلاب در کمین آن نشسته بود. در نتیجه مجموعه این جریانات بود که ارزش ریال سرمایه‌داری یافته، قدرت خرید آن تقلیل پیدا کرد و تورم و گرانی وضع فوق‌العاده‌ای بخود گرفت، وضع اخیر از یک طرف، مورد سوءاستفاده

سرمایه‌داران بزرگ، بخصوص بازرگانان وابسته، محترکان و سودجویان در خالی کردن کیسه مردم قرار گرفت. از جانب دیگر این وضع، یعنی گرانی و تورم، مردم را وادار ساخت تا آخرین پس‌انداز خود را با بانکها خارج کنند و صرف معاش روزانه نمایند. در نتیجه همه پولها، و دقیقتر گفته شود، قسمت اعظم نقدینگی کشور در اختیار سرمایه‌داران سودجو از شروع درآمد، اینان اینک با سوء استفاده از این وضع، درصدد اخلاص در سیستم بانکی و پولی کشور برآمده‌اند و می‌خواهند با ایجاد بحران مالی، جبهه جدیدی از جنگ در مقابل دولت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط امام، بکشایند.

پس بوضوح دیده می‌شود که مسئله تنها بر سر کاهش میزان اسکناس در گردش نیست، که البته همانطور که نخست‌وزیر گفته است می‌تواند در کوتاه مدت بر طرف شود. مسئله بر سر تعداد مجموعه سرمایه‌داری وابسته، ام از بازرگانان سودجو، محترکان، صرافان و عوامل مرئی و نامرئی آنان است، که نه فقط از اوضاع و احوال اقتصادی پس از انقلاب بسودا افزایش درآمدهای باد آورده، استفاده کرده و بر میلیاردها ثروت پولی کشور چنگ انداخته‌اند، بلکه اکنون همین ثروت را وسیله در فشار قراردادن انقلاب و دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می-دهند. لذا ضمن توجه به رفع

عللی مانند کمبود اسکناس در جریان و نقائص دیگر در سیستم پولی و بانکی، در لحظه کنونی بطور عمده و بدون تأخیر باید به خلق سلاح عوامل و عناصری پرداخت که عمدها به ایجاد بحران پولی پرداخته‌اند و با تخریب در سیستم بانکی و مالی کشور می-خواهند ضربت کاری به اساس و بنیان انقلاب وارد آورند.

خلق سلاح ضدانقلاب در جبهه پولی و مالی امری ضرور است

اما خلق سلاح آن سرمایه‌داری وابسته‌ای که امروز با نگهداری

چنگ قدرت است... و دولت

روز ۶ آذرماه ۵۹، جلسهٔ مرسوم «پرسش و پاسخ» تشکیل شد. رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران به پرسش‌های مربوط به مسائل مبرم جامعهٔ انقلابی ایران و ضرورت شناخت واقعی دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، پاسخ گفت.

بخش اول و دوم این «پرسش و پاسخ» در شماره گذشته درج شد و اینک آخرین بخش آن در زیر چاپ می‌رسد.

نورالدین کیانوری
(پرسش و پاسخ)

گام مهم در جهت تعمیق شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران

۶- آیا هجوم لیبرال‌ها ناشی از قوت آنهاست یا ضعف
۷- فریبگری لیبرال‌ها
۸- آیا هنوز در ایران سرمایه‌های وابسته به انحصارهای امپریالیستی وجود دارند؟

س: در تحلیل‌های اخیر حزب هجوم هماهنگ لیبرال‌ها به ضعف آن‌ها تعبیر شده، اما لیبرال‌ها با استفاده از شعار "آزادی خواهی" توانسته‌اند، بسیاری از مردم را به سوی شعارهای خود جذب و در نتیجه زدموکراسی انقلابی که فعلا مشخصاً روحانیت مترقی متجلی است، دور نمایند. آیا این گرایش، گرایش لفظی است و یا احتمال عواقب خطرناکی از این گرایش می‌رود؟

ج: این سؤال البته با بعضی عدم دقت‌هایی که در برداشت‌های آن وجود دارد، دارای محتوای با اهمیتی است. در تحلیل‌های ما چنانچه گفته شده که هجوم اخیر لیبرال‌ها نشانهٔ این نیست که آنها قدرت بیشتر یا پایگاه‌های مستحکم‌تری پیدا کرده‌اند، بلکه علت این هجوم عبارت از این است که آن‌ها در دوران اخیر مواضع بسیار حساسی را از دست داده‌اند. ما نگفتم آن‌ها خیلی ضعیف هستند. آن‌ها هنوز دارای نیروی قابل ملاحظه‌ای در جامعهٔ ایران هستند. ما گفتیم آن‌ها در دوران اخیر مواضعی را که در اختیار داشتند از دست داده‌اند و در نتیجه از دست دادن این مواضع، به لرزه افتاده‌اند و شروع کرده‌اند به ایجاد جنجال برای بدست آوردن مواضع از دست رفته. ما بطور دقیق گفتیم که مثلا در دولت کنونی که بر پایهٔ حمایت مشخص اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی روی کار آمده، لیبرال‌ها نتوانستند پایگاه‌های مهمی یا اصلا پایگاه قابل توجهی را در اختیار بگیرند، بلکه تمام مواضعی را که سابقا در دو دولت گذشته داشتند، از دست دادند. مثلا در مدیریت صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مواضع بسیار با اهمیت و خیلی موثری داشتند، که زیست دادند. و یا در عرصهٔ مطبوعات روزنامه‌های مثل "کیهان" را از دست دادند. این‌ها است که آن‌ها را به تشنج واداشته، نه این‌که نیرو- مایشان تحلیل رفته است. از دست دادن مواضع با تحلیل رفتن نیروها تفاوت است. نیروی لیبرال‌ها بطور کلی همان نیروی سابق است؛ قشرهایی از بورژوازی و خرده‌بورژوازی که جدا در مواردی نظام سرمایه‌داری یستاده‌اند. خصوصیت موضع طبقاتی آن‌ها همین است. البته اکنون بخشی ز سایر نیروهای اجتماعی نیز، به‌مانند طور که پیش‌تر هم گفتیم- به علل مختلفی، از جمله مخالفت با زاده‌های افراطیون مذهبی و انحصار- طلبان - به لیبرال‌ها کمک می‌کنند. اما هنوز ما آن‌ها را جزو نیروهای لیبرال به حساب نمی‌آوریم. آنها در نبردهای آینده هنوز می‌توانند موضعگیری‌های مختلفی داشته باشند. یعنی اگر واقعا مسئله به این شکل باشد که مردم لیبرال‌ها برای تثبیت وابستگی و هموار کردن راه‌سازش با امپریالیسم برده یابد، ما فکر می‌کنیم که عده قابل توجهی از آن‌هایی که الان در مسئله "آزادی‌ها" با لیبرال‌ها هم‌جبهه هستند، از آن‌ها جدا خواهند شد. به هیچ وجه حاضر نیستند به تسلیم و سازش با آمریکا تن در دهند. این‌جاست که ما می‌گوییم لیبرال‌ها در نتیجهٔ از دست دادن مواضع، در نتیجهٔ نزدیک شدن خطرهای جدی به پایه‌های اجتماعی- اقتصادی- بان در جامعهٔ ما، و در نتیجهٔ فشاری که الان از طرف توده‌های آزادی- محدود کردن غارت سرمایه‌داری به آنها وارد می‌شود، به تشنج افتاده‌اند و شروع کرده‌اند به حمله برای منحرف کردن این حرکت ضد بورژوازی لیبرال، که در ایران دارد گسترش پیدا می‌کند و برای ترمز کردن روند گسترش و تعمیق انقلاب در جهت ضد سرمایه‌داری و ضد مالکیت بزرگ.

خوب البته این‌ها توانسته‌اند از بعضی ضعف‌هایی که در کارتهای آنها در نقاب وجود داشته‌اند مانند زیاد روی‌های که گروه‌های افراطی در دارات، در پاکسازی عناصر شرافت‌مند، علاقتند، پاک، و هوادار جمهوری سلامی کرده‌اند، سوء استفاده کنند و توانسته‌اند عده‌ای از ناراضی‌ها را بر شعار تامين آزادی‌های تضمین شده در قانون اساسی، به سوی خود جلب کنند. ولی من همین‌جا اضافه می‌کنم که نباید به هیچ وجه این اشتباه را کرد که کلیه کسانی را که جدا خواستار تامين و تضمین آزادی‌های مصرح در قانون اساسی هستند، به حساب هواداران جدی بورژوازی لیبرال- با تمام مواضع سیاسی- اقتصادی آن، یعنی مواضع سازشکارانه‌اش نسبت به امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم به‌طور کلی و مواضعی در حفظ تمام نظام سرمایه‌داری در چارچوب قبلی خود گذاشت. بلکه در این‌جا یک همکاری هم‌رزمی در یک مسئله‌ای هست که لیبرال‌ها به حساب خودشان درمی‌آورند و به عنوان حربهٔ خود از آن استفاده می‌کنند. دیگران و حزب ما هم به‌طور جدی خواستار تامين آزادی‌های تصریح شده در قانون اساسی هستند، یعنی آزادی برای همهٔ نیروهای هوادار جمهوری اسلامی ایران، هواداران قانون اساسی، و خواستاران حاکمیت ستمگری اساسی انقلاب صرف نظر از موضع گیری فکری و ایدئولوژیک آنها، آزادی برای آن‌هایی که با هر گونه زنگشت به عقب مخالفت اصولی و بنیادی دارند. آزادی سیاسی، آزادی تبلیغ، آزادی بیان و آزادی عمل برای همهٔ نیروها، در همان چارچوبی که تمام خمینی از ابتدا گفته‌است: آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی طبعیات ولی نه آزادی توطئه. با با هر گونه توطئه‌گری علیه جمهوری اسلامی ایران جدا مخالفیم و معتقدیم که هرگونه آزادی برای توطئه‌گران باید محدود شود و جلوی توطئه‌گران با تمام قاطعیت گرفته شود. والا انقلاب! نمی‌توان حفظ کرد. به این ترتیب نباید در ارزیابی خود دچار اشتباه بود. باید حساب کنیم که لیبرال‌ها نمایندهٔ تمام آن طبقه‌ای هستند که لان برای تامين آزادی، حتی با شعارهای کمی تند فریاد می‌زنند. لیبرال‌ها سر همین هستند که دارای هدف‌های معینی هستند. آن‌ها مسلمان‌مآوردان زادی، همان آزادی که امروز خودشان می‌گویند نیستند، و به محض اینکه به قدرت برسند اول آزادی را از مخالفین خودشان سلب خواهند کرد، چون مجال است که لیبرال‌ها بتوانند انقلاب ایران را در چارچوب مورد نظر خودشان محصور بکنند بدون آن‌که آزادی توده‌های میلیونی و خلق‌های انقلابی ایران را که خواستار تغییرات بنیادی در جامعه هستند از آن‌ها سلب کنند. آن‌ها دروغ می‌گویند. ولی نیروهای دیگری هستند که واقعا خواستار تامين آزادی در چارچوب تصویری که از انقلاب ضد امپریالیستی خلقی ایران دارند، هستند.

س: آیا همگامی و هماهنگی بین نیروهایی که فقط طرفدار تامين زادی‌های مورد تجاوز قرار گرفته از طرف افراطیون هستند، و لیبرال‌ها که آزادی دیگری - "آزادی" غارتگری می‌خواهند، خطری برای انقلاب ایجاد نمی‌کند؟ آیا لیبرال‌ها موفق نخواهند شد جبهه‌مشرکانه‌ای را که میان این دو بخش ایجاد شده علیه تمام توده‌های انقلاب ایران، به سود خود در راه منحرف کردن انقلاب ایران بسیج و وارد نبرد کنند؟

ج: به نظر ما نمی‌باید این خطر را به هیچ وجه از نظر دور داشت. عدم وفقیات آنها بستگی دارد به این که نیروهای هوادار جمهوری اسلامی ایران چقدر در تصحیح اشتباهات خود، در تصحیح زیاد روی‌های که در وارد مختلف انجام داده‌اند و در نتیجه توانسته‌اند نیروهای را که به یورد وجه هوادار موضع گیری لیبرال نیستند به سمت آنها گرایش بدهند، گاهانه عمل کنند. ما امیدواریم که نیروهای حاکمیت که هوادار جدی جمهوری اسلامی ایران و هواداران خط امام هستند، اهمیت تأثیر منفی و زیان بخش این زیاد روی‌ها را عمیقاً درک کنند و با تمام قوا در جهت جلوگیری از این زیاد روی‌ها و افراط‌های باشند که نیروهای سالم هوادار انقلاب را ی جهت به طرف نیروهای دشمن انقلاب می‌رانند. ما در مراحل مختلف بارزه سیاسی خود روی این مسئله بدکرات تکیه کرده‌ایم. از جمله در مسئله

سرمایه‌های انحصارهای امپریالیستی و سرمایه‌های داخلی بوجود آمده‌اند. این‌ها بخش‌های مختلف سرمایه‌داری وابسته‌است. در نتیجه دستاوردهای انقلاب و بخصوص قطع دست گروه‌های عمیقاً وابسته به دربار "آریامهری" و سرمایه‌داران وابسته به آن، یعنی آن‌هایی که در جوار خانانواده پهلوی و کارگزارانش در قسمت‌های مختلف بخصوص در دهه پانزده سال اخیر رشد کردند و نمایندگان سرمایه‌داری بوروکراتیک، سرمایه‌داری بانکی، سرمایه‌داری صنعتی و کشاورزی بودند، بدان چهار بخش ضربات جدی وارد آمده‌است. قسمت مهمی از این چهار بخش سرمایه‌داری به بخش دولتی منتقل شده‌است. مثل بانکها، کارخانجات، موسسات بزرگ کشت و صنعت و تمام ثروت خود خاندان پهلوی و تمام کارگزارانش. اما بخش سرمایه‌داری کم‌مرداوار، یعنی سرمایه‌داری سنتی وابسته به امپریالیسم که تمام سرمایه‌اش در گردش کالاها و انحصارهای جهانی سرمایه‌داری است، هنوز با تمام توان و امکانات خود باقی مانده‌است. من در آماري که دفعهٔ پیش عرضه کردم، نشان دادم که در سال ۱۳۵۶ بیش از ۹۵ درصد واردات ایران از شش کشور بزرگ سرمایه‌داری غرب بوده‌است. تمام بازرگانان بزرگی که در این دایره کاری کنند، نمایندگان سرمایه‌داری وابسته به انحصارهای غرب هستند. این‌ها کالا وارد کنندگان کالاها امپریالیستی هستند. از کالاها لوکس گرفته تا کالاها مصرفی- و هم اکنون در بازار ایران سرمایهٔ اینان کار می‌کند و در دایرهٔ گردش سرمایه‌انحصارات جهانی قرار دارد. به این ترتیب ما معتقدیم که سرمایه‌داری وابسته هنوز در ایران از بین نرفته، و در بخش بسیار مهمی هم از بین نرفته‌است. اگر از لحاظ میزان سرمایه و میزان گردش و عمل سرمایه بسنجیم، بخش تجاری سرمایه‌داری یا بخش کم‌مرداوار، یکی از عمده‌ترین و نیرومندترین بخش‌های سرمایه‌داری وابسته را تشکیل می‌دهد. ما می‌بینیم که سرکرده‌های بازار ایران، گردانندگان حزب "جمهوری خلق مسلمان" هستند. این اتفاقی نیست. اینان وابسته به امپریالیسم هستند و سیاست حزب "جمهوری خلق مسلمان" هم عبارت است از سیاست برگرداندن رژیم وابسته اقتصادی و برگرداندن بختیار و اوسایی و امثالهم به ایران. بورژوازی لیبرال یا نماینده بخش متوسط سرمایه‌داری ایران، یعنی آن سرمایه‌داری که ما "سرمایه‌داری ملی" می‌نامیم، بخشی از سرمایه‌داری است که به‌طور عمده در دایرهٔ عمل سرمایه‌های امپریالیستی قرار گرفته‌است. مثل کارخانجات متوسط و کوچکی که بعضی از لیبرال‌های خودمان داشتند یا دارند. سرمایه‌های امپریالیستی به‌طور عمده در کار این بخش دخالت ندارد. اما از لحاظ سیاسی این بورژوازی یا سرمایه‌داری ملی به اضافهٔ سرمایه‌تجاری در امور ساختمان، سکن و ساز و بفروش‌ها، به سرمایه‌داری وابسته - یا "خلق مسلمان" - نزدیک شده‌است و ما می‌بینیم که لیبرال‌ها با "خلق مسلمان" الان در یک جبهه قرار می‌گیرند. این همان بی‌بشینی است که ما در "پلنوم" اخیر کردیم؛ یه - بورژوازی لیبرال در دوران تسلط یک جانبه و مطلق سرمایه‌داری وابسته - سرمایه‌داری صنعتی و بانکی و بوروکراتیک و دستگاه دربار و ساواک و غیره مناسباتی بود، زیرا این‌ها مانع از رشد سرمایه‌داران متوسط می‌شدند. آنها می‌خواستند همه چیز را در چنگ خود نگاه دارند. به همین دلیل هم لیبرال‌ها در آن تاریخ طرفدار قانون اساسی شاهنشاهی و قانون اساسی مشروطیت بودند و می‌خواستند رژیم شاهنشاهی را حفظ و فقط شاه و ساواک را حذف کنند. بنا به خواست آنها، باقی چیزها می‌بایست در جای خود بماند و نمایانگر آن، سیاستی بود که دولت "گام به‌گام" دنبال می‌کرد؛ که آقا هیچ چیز تغییر نکند، همه چیز را همان‌طور نگاه دارید، با آمریکا نجنگیم، با سوی دم پلنگ و حشمتک نگذاریم، خطرناک است، با آن کنار بیاییم، یواش یواش و "گام به‌گام" و به تدریج حقوق‌مان را از او بگیریم.

یعنی حفظ نظام سرمایه‌داری و تمام مناسبات آن با دنیای امپریالیستی، و محدود کردن غارت سرمایه‌داری وابسته به نفع سرمایه‌داران ملی. ولسی پس از انقلاب آنها دیدند که موضوع شوخی نیست. ملت چیزهای دیگری می‌خواهد، ملت فقط به این اتکنا نمی‌کند، فقط محدودیت غارت لازم ندارد، بلکه می‌خواهد تغییرات بنیادی در نظام اقتصادی بوجود آورد، قانون اساسی می‌گذراند که طبق آن باید با استثمار مبارزه شود، تجارت خارجی باید ملی شود، اصلاحات ارضی به سود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین به عمل آید، وسیلهٔ کار به کسانی داده شود که کار می‌کنند، یعنی کارخانجات باید در اختیار و تسلط کارگرانی که کار می‌کنند و مهندسين و کارکنان آن واحد اقتصادی قرار گیرد، واری در این قانون اساسی تضمین می‌شود که دیگر با اصل نظام سرمایه‌داری و بزرگ مالکی ظایرت جدی دارد! این است که بورژوازی لیبرال می‌گوید ما را به‌خیر تو امید نیست جمهوری اسلامی، سر - سران! و می‌رود یواش یواش سازش می‌کند با دشمنان. این عین مسئله‌ای است که ما در تحلیل "پلنوم" پیش‌بینی کردیم و گفتیم بورژوازی لیبرال با تعمیق انقلاب به آن پشت می‌کند و با نیروهای ضد انقلابی برای سرکوب انقلاب سازش می‌کند. این علت آن پدیده‌ای است که ما الان می‌بینیم که لیبرال‌های "نهضت آزادی" و "جبهه ملی" سابق، با "خلق مسلمان"ها در یک جبهه قرار می‌گیرند، میتینگ مشترک می‌دهند و هواداران "خلق مسلمان" برای لیبرال‌هایی که تا دیروز خیلی انقلابی بودند و در شورای انقلاب بودند، جلسه‌سخت‌رانی ترتیب می‌دهند و پول خرج می‌کنند تا افراد را جمع کنند و جلوی می‌خرند برای آن‌که امضا جمع کنند و سر و کله "خلق مسلمان"ها را با هواداران ظاهری انقلاب در یک جگه می‌بینیم. به این ترتیب این که سرمایه‌داری وابسته، با بورژوازی لیبرال ایران که نماینده بخش بالایی سرمایه‌داری ملی است، نزدیک شده و همکاری سیاسی می‌کند، کاملاً قانونمندانه و طبیعی است. ما در تحلیل "پلنوم" نوشتیم که در تمام انقلاب‌ها این پدیده وجود داشته و هیچ دلیلی وجود ندارد که انقلاب ایران از این قانونمندی مستثنی باشد. و واقعا هم تاریخ عین این پیش-بینی را تأیید کرده‌است.

س: سنجیدن آن نمایندگان مجلس شورای اسلامی که حزب در انتخابات از آن‌ها پشتیبانی کرد و عمدتاً در مواضع ضد امپریالیستی قرار داشتند، متأسفانه هم اکنون در مجلس از مواضع پشتیبانی می‌کنند. دلیل این هماهنگی چیست و تا چندان اندازه امید تغییر جهت آنها وجود دارد؟

س: در مقاله "مییمن انقلابی ما در لحظه کنونی" (نامه "مردم" چهار آذر) نوشته‌اید در هر دو جناح اختلافات داخلی اخیر عناصری وجود دارند که می‌توانند در جبهه متحد خلق باشند. لطفاً این عناصر و خصوصاً عناصر متعلق به جناح خواستار آزادی‌های دموکراتیک را که می‌توانند در جبهه متحد خلق باشند مشخص کنید.

ج: این دو سؤال را یکجا می‌توان جواب داد. یک سؤال دیگر هم هست باز دربارهٔ موضع گیری سازمان مجاهدین خلق در این مسئله که آن‌ها هم تقریباً به همین مسئله مربوط می‌شود. ببینید رفاً اگر به مجلس و صحنهٔ سیاسی بنگریم، همان طوری که من در آن مقاله اشاره شده نوشته‌ام، در دو طرف اختلاف، واقعا نیروهای هستند که البته در یک طرف اختلاف اکثریت دارند و در طرف دیگر، یعنی طرفی که الان مسئله سرچشم "آزادی‌های دموکراتیک" را به‌طور خیلی بارزی برافراشته، ممکن است اقلیت داشته باشند و معش است بخش مهمی باشند. چنانچه در جبهه متحد خلق، یعنی در سمت گیری‌های اصلی جبهه متحد خلق است. ما معتقدیم که این‌ها در مواضع کاملاً درست جبهه متحد خلق قرار گرفته‌اند، یعنی به خوبی در مواضع ضد امپریالیستی، محور سرمایه‌داری بزرگ و مالکیت بزرگ و در مواضع تامين آزادی برای نیروهای انقلابی جا دارند. و به این جهت ما آن‌ها را جزو نیروهای اصلی جبهه متحد خلق تشخیص می‌دهیم. این واقعیت است. در توضیح قبلی گفتیم که ما نمی‌باید این اشتباه را بکنیم که کلیه نیروهای را که الان در مسئله محدودیت‌هایی که برای آزادی‌ها بوجود آمده‌است، دارای موضع مشترکی هستند و تلاش می‌کنند برای این که این محدودیت‌ها - که قدری از آن عینی است - از بین برود، از لحاظ سیاست داخلی در مجموع خود، از لحاظ موضع گیری نسبت به هدف‌های انقلاب، از لحاظ موضع گیری در سیاست دولت جمهوری اسلامی در صحنهٔ جهانی یعنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، عیناً یکی بدانیم. در گفتار هفته پیش من به صراحت گفتیم که ما حتی هنوز نمی‌توانیم این‌طور حکم بکنیم که خود

کردستان و مسئله توجه به خواست‌های ملت‌های غیر فارس و توجه به اهمیت مذاهب غیر شیعی در جامعه ایران. در مورد مسئله کردستان ما هنوز می‌گوییم که سیاستی که حاکمیت در بارهٔ مسئله کردستان در پیش گرفته، دارای جنبه‌های منفی جدی است و دشمنان انقلاب از این جنبه‌های منفی بهره‌گیری می‌کنند. اگر این تصحیح‌ها به موقع و با تعمق در اشتباهاتی که صورت گرفته به عمل آید، به نظر ما لیبرال‌ها موفق نخواهند شد که نیروی قابل توجهی از قشرهای غیر وابسته به لیبرالیسم را به دنبال خود بکشانند و خطری برای انقلاب بوجود آورند. ولی اگر این افراط‌ها ادامه یابد و برخورد‌های نادرست در بعضی از نهادهای انقلابی تکرار شود و جلوی آن گرفته نشود و با آن مبارزه نشود، آن وقت البته این احتمال وجود دارد که لیبرال‌ها بتوانند گذشته از نیروهای خودشان، نیروهای دیگری را هم که در نتیجهٔ همین اشتباهات و زیاد روی‌ها و افراط‌ها ناراحت و ناراضی شده‌اند در اختیار خود بگیرند و آن‌ها را به گمراهی بکشانند و در جهت هدف‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه خود بکشانند.

به این ترتیب و طبقه ما عبارت است از تبلیغات ما و کوشش‌ها بسیاری افشارگی در جهات مختلف - افشارگی حقه‌بازی لیبرال‌ها که می‌خواهند تحت شعار "آزادی" انقلاب را منحرف کنند - توضیح ما به نیروهای سالم انقلابی که نمی‌بینند در دام لیبرال‌ها دارند می‌افتند، فریاد لیبرال‌ها متفاوت با خواست آن‌ها است. باید با تمام قوا بگوئیم و نگذاریم این نیروهای سالم با لیبرال‌ها در یک جبهه قرار بگیرند و بگوئیم که آن‌ها جبههٔ خود را جدا کنند و به آن‌ها بفهمانیم که موفقیت آن‌ها در تامين خواست‌های به‌حق خودشان، یعنی تامين آزادی‌های واقعی برای نیروهای سالم هواداران انقلاب ایران، تنها در صورتی است که آن‌ها بتوانند خط فاصل دقیقی بین عمل خود و عمل لیبرال‌ها که هدف‌های سیاسی دیگری در داخل و خارج دارند بکشند. این را باید به آنها بفهمانیم. باید از نیروهای حاکمیت یعنی در درجه اول از روحانیت مبارز نیز بخواهیم که بگویند از اقدامات گروه‌های افراطی به تمام معنا و به‌طور جدی جلوگیری کنند. اعمال این گروه‌های افراطی می‌تواند در این لحظه یا آن لحظه رقابتی را از میدان عمل بطور موقت خارج کند، ولی ضررها و زیان‌های عمیقی می‌زند، نتیجه‌ای می‌زند که می‌تواند به‌ریشه بخورد و می‌تواند جنبش انقلابی اصیل هوادار خط امام را تضعیف کند. مسئله مبارزه با اشتباهات، و زیاد روی‌ها و انحرافات که در نهادهای انقلابی انجام می‌گیرد، در این لحظه دارای اهمیت فوق العاده مهم اجتماعی - تاریخی است و می‌باید که آن را خیلی جدی بگیرند. امکان ندهند که نیروهای هوادار انقلاب در نتیجه این نوع اشتباهات و افراطیون، به سمت مقابل بمرودند.

س: در مقالات نامه "مردم"، از جمله در مقاله کارگری پنجم آذر، هنوز از سرمایه‌داران وابسته نام برده می‌شود. با در نظر گرفتن این که سرمایه‌داری وابسته، یا سرمایه مستتر که با انحصارات و شرکت‌های چند ملیتی دارد و با زاییده آن‌ها است، آیا هنوز ما سرمایه‌داری داریم که به این شکل وابسته هستند؟ یا این که منظور نامه "مردم" از سرمایه‌داران وابسته همان سرمایه‌داران بزرگ ملی است؟ اگر نه، شکل وابستگی این سرمایه‌داران چگونه است که می‌توان اصطلاح "وابستگی" را در مورد آن‌ها به کار برد.

ج: ما در برنامهٔ حزب توده ایران و در توضیحات گوناگونی که در تحلیل‌های اجتماعی داده‌ایم، این مسئله را دقیقاً روشن کرده‌ایم. دوست سؤال کنندهٔ ما متأسفانه به این تحلیل‌هایی که در گنجینهٔ انتشارات حزبی ما هست توجه نکرده‌است. ما هنوز سرمایه‌داری وابسته داریم. یعنی بخشی از سرمایه‌داری وابسته هنوز با تمام ابعاد خود باقی مانده‌است. ما در تحلیل‌های خود گفته‌ایم که سرمایه‌داری وابسته، سرمایه‌داری است که سرمایه‌اش به‌طور عمده در دایرهٔ عمل انحصارهای جهانی سرمایه‌داری قرار گرفته‌است. همچنان که بیشتر گفتیم، پنج بخش مهم سرمایه‌داری بزرگ ایران در این وابستگی قرار دارد: اول سرمایه‌داری صنعتی وابسته، یعنی کلیه واحدها و صنایعی که با سرمایه مشترک انحصارهای امپریالیستی و سرمایه‌ای ایرانی اداره می‌شوند. مثل تمام کارخانجات مونتاژی که در ایران ایجاد شدند، یا کلیه کارخانجاتی که اصولاً با سرمایه‌های امپریالیستی در ایران وجود آمده‌اند و این جا هم نمایندگان دارند. این سرمایه‌داری صنعتی وابسته است. دوم سرمایه‌داری بانکی، که این سرمایه‌داری با بانک‌ها و انحصارهای بزرگ دنیا ارتباط دارد و گردش سرمایهٔ آن، در گردش عمومی سرمایه‌های انحصارهای بزرگ سرمایه‌داران جهانی قرار دارد. این سرمایه‌داری مالی وابسته است و تمام این صراف‌ها و سفته‌بازها همگی جز آن‌ها به شمار می‌روند. سوم سرمایه‌داری بوروکراتیک، یعنی سرمایه‌داری دستگاه‌های دولتی که با بودجه دولتی با انحصارهای جهانی به‌شمار هفتی در ارتباط هستند. این هم سرمایه‌داری بزرگ وابسته به امپریالیسم است. چهارم سرمایه‌داری تجاری، که این مهم‌ترین سرمایه‌داری وابسته یا سرمایه‌داری کم‌مرداوار است. این سرمایه‌داری با تمام حجم خود تقریباً دست‌نخورده باقی مانده و امکانات غارتگری آن به مراتب افزایش یافته‌است. گرچه حجم واردات در مجموع کاهش یافته، ولی عامل این کاهش، کاهش واردات دولتی بوده و در مقابل واردات بخش خصوصی به‌مراتب رشد و توسعه یافته‌است و غارتگری آن دامنهٔ وسیع‌تری پیدا کرده‌است. و بالاخره سرمایه‌داری بزرگ کشاورزی وابسته، که عبارت است از شرکت‌های بزرگ کشت و صنعت که با



در این جنگ، سنگر کارگران، دفاع از انقلاب است

«حالا وقت کار است، وقت خواب نیست»

(کریم آذروند، کارگر شید هلیکوپتر سازی)

مشتی است نمونه خروارها، اما

فعالیت برتر کارگران به کمک مالی و اعلام جانبازی محدود نمی شود. برای مقابله با کمبودهای ناشی از جنگ جاری مبارزه بس دشوارتری فراروی آنان است. باید تولید کرد و از بروز کمبود در مواد و وسایل مورد نیاز عموم، به هر وسیله جلوگیری کرد. باید کارخانه، این نبض برپیش انقلاب، با خروش برتوان خود در تپ و تاب باشد، تا خون در رگ های سراسر میهن به حرکت آید و به اندام کشور غذا دهد. چنین است که کارگران رزمندگی از شروع جنگ، علی رغم محدودیت امکانات، جرخ تولید را سریع تر به حرکت درآوردند، هر چند دشواری ها صدچندان شده بود.

چند روزی از آغاز جنگ تجاوز - کارانه رژیم صدام علیه انقلاب ایران به کارخانه لوازم خانگی پارس (سازنده انواع یخچال های جنرال الکتریک) اطلاع داده شد که گاز مصرفی کارخانه قطع خواهد شد. با قطع گاز یک قسمت از کارخانه، یعنی قسمت رنگ آن از کار

حفظ کرد و گسترش داد، از بقایای دستگاه ها، و با تمامی تجارب و مهارت ها، با ابتکار هر چه تمام تر به تعمیر وسایل پرداخت و دستگاه های تازه ای را فراهم آورد. باید به جبهه رفت و زیر باران خمپاره ها و خمسه خمسه ها تجهیزات فنی را تعمیر و آماده کرد.

باید در شهرهای جنگ رده سنگر ساخت و نیازهای مردم مسلح را از هر جهت برطرف کرد. و صد البته باید جنگید و جنگید. هزار کار هست و انقلاب از طبقه کارگر، این بازوی برتوان خود، هزاران دست می طلبد.

برای کارگران تامین معاش به راستی کاری دشواری است. دست مزد و مزایا و هم تلاش ها به زحمت کفاف مختصر نیاز اولیه آن را می دهد. با این وجود، سبیل تکم ها پیش از همه و بیش از همه از سوی اینان به سوی جبهه ها و برای جنگ زدگان جاری است. کارگران از یک تا چند روز دست مزد ماهانه خویش را بی چشم داشت واگذار می کنند و به اشکال مختلف دست به جمع آوری

فارتنگان به غرض درآمده و شکاف برداشته است، و جنگ، جنگی عادلانه است. اگر جنگیم، نیستیم، پس می جنگیم، تا نسل های آینده در صلح بسر برند و ریشه های جنگ را فرو خشکانند.

گفتیم طبقه کارگر ایران بر چه مبارزه را استوار بردوش دارد و تا ابد دوش خواهد داشت. آری، کارگران، که خون شان در هزار جسمه میهن جاری است، یکبار امیرالایم برتوت و مکار بریتانیا را از میهن راندند، بکرمان گلوی استبداد سلطنتی را فرسردند و آنرا به گورستان تاریخ افکندند و اکنون رودر روی آمریکا هستند. چه قربانی ها داده اند و چه رنج ها در پیش ندارند. اما تاریخ فرعه این فال را به نام آنان رده است. طبقه کارگر ایران مسلما با آغوش باران راه را طی خواهد کرد.

در صباران تهران، شش تن از کارگران به شهادت رسیدند: کارگران ناسیونال (محمد رضا سلیمی و حسن محمدی)،

ایران انقلابی، یک بار دیگر سلاح رزم بوسیده است، تا در جبهه های بسوخت تمام خاک میهن، در برابر دشمنان استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران از خود دفاع کند.

در این جنگ، که از بدو اوچ گیری جنبش انقلابی تا نابودی امپریالیسم، در اشکال مختلف به شدت ادامه داشته و خواهد داشت، امروز با یکی دیگر از دستیاران امپریالیسم آمریکا، یعنی رژیم صدام رودر رو هستیم. دشمن تجاوزگر با خیال خام نابودی انقلاب به میهن ما یورش آورده است. دشمن شهرها را ویران می کند. کودک و نوجوان و پسر مرد، بیرون مردم صلح جوی ایران به خاک و خون در می طغند. زندگی و هست و نیست آبسپاه گامب ها و خمپاره ها، موشک ها و گلوله های صدام می رود. بندرگاه ها، اسکله ها، پالایشگاه ها، انبارها و گمرک ها، کارخانه ها، خطوط ارتباطی، خطوط لوله، پل ها و صد البته خانه و کاشانه مردم شهر و روستا، طعمه بمباران های دشمن می شوند.

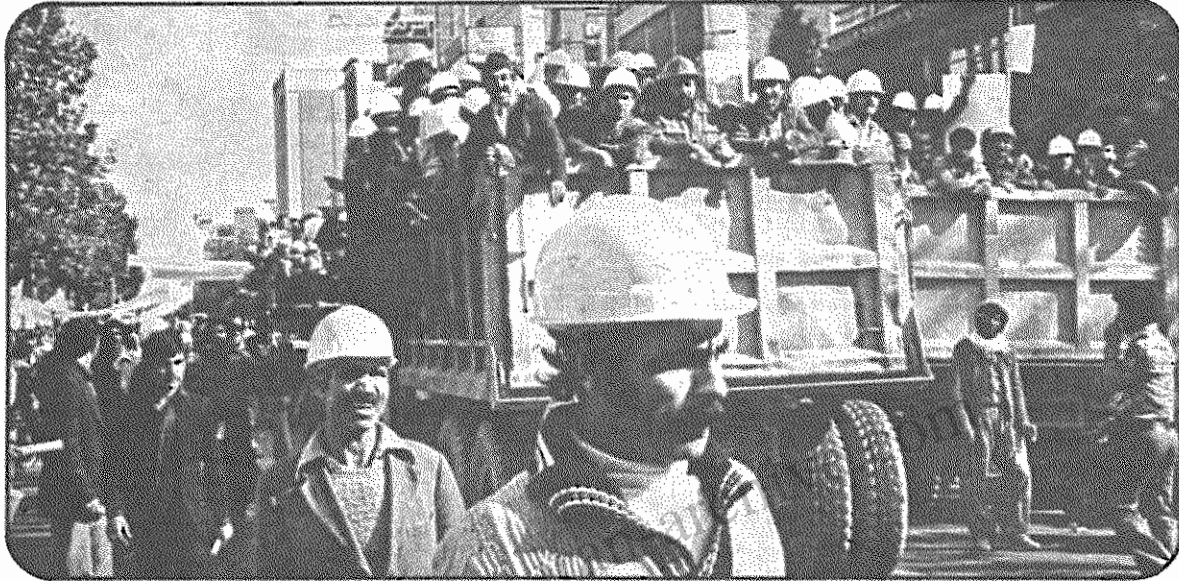
این جنگ، و به عبارت دقیق تر این ششمن توطئه خائنانه امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری جوان و انقلابی ما، البته سرنوشتی بهتر از توطئه های پیشین نخواهد داشت، هر چند سال ها به درازا کشد و تلفات و قربانی ها از این هم بیشتر شود. انقلاب خود را آماده خواهد داشت و بیمی به دل راه نخواهد داد.

بی تردید خلق ایران در این دو سال به کفایت نشان داده است که راه آینده را ساخته است و در این جهت بی تزلزل و تا انتها، استوار گام برخواهد داشت.

ستون بنجم دشمن، و اخوردگان سیاسی و عناصر مفلوک که در زباله های تاریخ دست و پا می زنند، سپیده می گویند تا با بزرگ کردن مشکلات، با قلب واقعیت ها و با هزار دروغ و حمله، نظم انقلابی صربان جان مردم را برهم زنند. آنها آبروی خویش را از دست ها بیش از دست داده اند و بر ما نیز رحمت چندان نمی دهند. در برابر دریای خروشان تاریخ، این گداهای حقیر چه فرودمانه و ناتوان اند!

راستی، تارمانی که رحمت کشان ایران و در راس همه، طبقه کارگر قهرمان ایران وجود دارند، از مبارزه چه باک! انقلاب از آن کوخ نشینان، پابره ها و رحمت کشان است. آن ها با دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از آینده مستقل، آزاد و آباد میهن خویش دفاع می کنند، از سنگر تاریخی خویش پاسداری می کنند. دشمن زبون هر چه می خواهد بگوید و هر نیرنگی در کار کند، اتحاد و یگانگی ما، همواره با آگاهی به شرایط واقعی زندگی تاریخی و مبارزه دوران ساز مردم ایران، خلل ناپذیر است، و درست به همین دلیل است که می گویم: آینده از آن ماست، بی کم و کاست!

طبقه کارگر ایران مصمم و بی گس عزم را جزم کرده است تا به هر شیوه که شده، دروازه های میهن دیگر را بروی سرمایه داران غارتگر و استهسته جهان خواران امپریالیست گسوده نشود. تا دیگر هست و نیست ما به کام آمریکا نرود. تا آنچه به ما تعلق دارد، در کاوش صندوق های انحصارات امپریالیستی مسدود نشود. گریمر بر سر این کارخیز نسل ها ناچار در سنگر بزیاید و بزیاید. بپیوده نیست که این چنین یک صدا فریاد می کند: برچینیم برچینیم بساط ظالمین را برکنیم برکنیم ریشه آمریکا را بیاکنیم بیاکنیم جامعه نوین را! سرود رزم و آوای کارو سازندگی در هم آمیخته است، زمین زیر پای



پولاد کاران: می روند تا گور امپریالیسم را بکنند!

می افتاد، (این قسمت در وسط خط تولید است.) لذا تولید کارخانه قطع می شد. برای جلوگیری از قطع تولید کارخانه لازم بود تعداد زیادی درو بدنه یخچال تولید و رنگ شود. به

این ترتیب کارگران از قسمت های مختلف بسیج شدند و شروع به ساختن درو بدنه یخچال کردند. کارگران دو قسمت رنگ درو بدنه، تا صبح کار کردند و دو بیست و سی یخچال آماده مونتاژ شد، در حالی که در روزهای عادی بطور معمول حدود سی یخچال آماده مونتاژ می شود. ضمناً در تمام طول شب کارگران برای مقابله با حمله هوایی در نور کم کار کردند. در مبارزه صدامریالیستی فعلی، همه چیز برای جبهه و همه امکانات در خدمت بیروزی قرار می گیرد. بدون دفع تجاوز، قوام جمهوری انقلابی ما ممکن نیست. به این منظور طبقه کارگر به ابتکار خویش، بی هیچ چشم داشت، نیروی خود را بسیج می کند.

کمیته دفاع پارس الکتریک طی اطلاعیه از کارکنان خواسته است تا: "اکنون که جمهوری اسلامی جوان ما که دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی ایران به رهبری خمینی بزرگ است، مورد یورش مزدوران "شیطان بزرگ" آمریکا، یعنی صدام خیانت پیشه و تمام خیانت پیشگان منطقه قرار گرفته است، برای دفاع از میهن و انقلاب اسلامی و در راستای این وظیفه انقلابی... علاوه بر کمک های نقدی که بصورت یک روز درآمد بدین امر اختصاص یافته، همکاران عزیز جهت پشتیبانی هر چه بیشتر از این جنگ بحق که بسرا می

نقدیه ها می زنند و دور از انتظار گوسنگی می خرنند و انسانیت عرضه می کنند. نمونه ها، چنان که پیش از این بسیار دیده ایم، به شام می آید. کارکنان کارخانه ارج مبلغ دو میلیون و سیصد و شصت و پنج هزار ریال به حساب ۸۸۸، و به همین اندازه (۲۶۳۵۰۰۰۰) ریال دیگر نیز به حساب ۷۷۷۷۷ بانک ملی واریز کرده اند. کارگران کانادا درای نیز معادل یک روز حقوق خود را (مبلغ دو میلیون و چهار صد و چهار ده هزار و هشتصد و بیست و هفت ریال) به همین حساب واریز کردند.

این کارگران طی تلگرامی به حضور رهبر انقلاب، آمادگی خود را برای جانبازی در خط مقدم جبهه اعلام کرده اند. و از مجموع دو هزار و سیصد و شصت و پنج کارخانه، تا کنون هفتاد و سه نفره جبهه ها اعزام شده اند.

سندیکای کارکنان سیما سفید دماوند نیز، ضمن تاکید بر این که کارگران در مبارزه با آمریکا و مزدورانش چون صدام خاش از بدل جان و مال دریغ ندارند و با اعلام آمادگی برای جانبازی، معادل یک روز حقوق خود را (یک میلیون و صد و پنجاه هزار و هفتصد ریال) به امر دفاع میهنی اختصاص داده اند، خاطرنشان کرده که:

"بدین وسیله در حفظ دستاوردهای انقلاب شکوهمند اسلامی در سنگر کارخانه علیه امپریالیسم آمریکا تا آخرین نفس به جهاد ایستاده ایم."

کارگران شهوند (سلیمان خدابنده لو، احمد زرینی) و هلیکوپتر سازی (کریم آذر وند و پیرام باباخانو) .

همسر کارگر شهید کریم آذر وند، در مراسم بزرگداشت این شهیدان در خانه کارگر، چه خوب گفت:

"من افتخار می کنم که شوهرم شهید شده است. تصمیم دارم دودختر و تنها پسر را بزرگ کنم، تا راه پدرشان را ادامه دهند. خودم دوره بسیج دیده ام و در صورت لزوم می جنگم. شوهرم ما را، از قبل، آماده کرده بود. او می گفت: "حالا وقت کار است نه وقت خواب" او ساعات زیادی را صرف کار در کارخانه می کرد. روز حمله او به جای دوستش مانده بود تا کار کند. همه ما حاضریم برای حفظ انقلابمان شهید شویم.

در این مراسم، از جمله یکی از کارگران زن کارخانه داروگر نیز چنین گفت:

"ما از حدود شش ماه پیش آموزش نظامی دیده ایم، ولی ما یلیم باز از طرف بسیج برای ما کلاس های رزمی و امداد گذاشته شود. در کارخانه ما، همه از مردوزن، فقط منتظر فرمان امام هستیم تا برویم و بجنگیم." و این زبان حال همه مردم ایران است، که به بهترین وجه از دهان طبقه کارگر ایران شنیده می شود.

آری: "وقت کار است نه وقت خواب". باید شب و روز در کارخانه کار کرد. از ماشین آلات، دستگاه ها، انبارها و ذخایر موجود، مسلحانه دفاع و پاسداری کرد. امکانات موجود را

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

تسریع در امر واگذاری زمین به سود انقلاب و تامین پیروزی در جبهه است

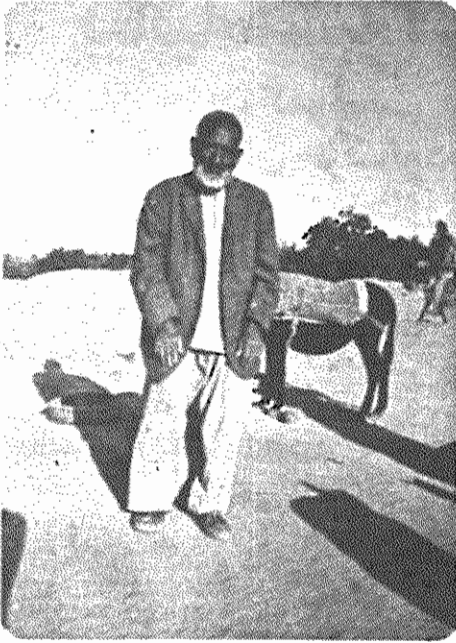
پیش از همه، دهقانان بی‌زمین شرکت داشتند. با وجود مساعد بودن زمینه، هنوز هیئت واگذاری اراضی، آغاز به واگذاری زمین نکرده است. تاخیر در کار موجب شده که بزرگ مالکان بخودجرات بدهند و علیه دولت انقلابی و تصمیمات آن اقداماتی بکنند.

بعلاوه، اهالی این روستا مشکلات دیگری هم دارند. از جمله در مسیر یک کیلومتر راه خاکی، که به جاده اصلی، یعنی جاده نهاوند- کرمانشاه مرتبط است، رودخانه‌ای قرار دارد که عبور از این رودخانه در فصل زمستان غیرممکن است. دارای روستای طایم بر آفتاب، دارای یک مدرسه است که ساختمان آن خراب است. اهمیت فرمان امام خمینی مربوط به سواد آموزی از اینجا نیز معلوم میشود که ۸۳ درصد اهالی بی‌سوادند. آب آشامیدنی اهالی این روستا از آب غیر بهداشتی چاه تامین میشود. در این روستا هنوز برق کشیده نشده است.

فد انقلاب، که بزرگ مالکان و ابادیشان وساواکی ها و وابستگان رژیم سابق را نیز شامل میشود، با اجرای طرح اصلاحات ارضی بوسیله هیئت‌های ۷ نفری مخالفند و به انواع مختلف و از جمله اعمال فشار لیرالها در جلوی پای آن سنگ اندازی می‌کنند. پس از آن که یکبار دیگر نقشه‌های

روستای طایم بر آفتاب در ۲۶ کیلومتری شمال نهاوند واقع شده است. جمعیت این روستا ۲۳۰ خانوار و کلاً دوهزار نفر است. از این تعداد ۱۶۰ خانوار دارای زمین ۷۰ خانوار دیگر خوش‌نشین هستند. خوش‌نشینان اغلب در جستجوی کار به شهرستانها و بیشتر به تهران می‌روند. کل زمینهای مزروعی این روستا ۱۵۰ جفت است، که آب آن بوسیله رودخانه تامین میشود. مالک این روستا طی سالهای دراز به این دهقانان زحمتکش ظلم و ستم روا داشته است و حتی ۴۰ هکتار از دهقانان بوده، غصب کرده است. این بی‌عدالتی‌ها که جان دهقانان زحمتکش را به لب رسانده بود، بعد از انقلاب نیز بعلت حضور لیرالها در دولت، بوسیله مالک و ابادیش اعمال میشد، تا آنجا که دیگر دهقانان دریافتند لازمست با یک اعتراض دستجمعی عناصر لیرال و مالک ضد انقلابی را بجای خود بنشانند و جلوی توطئه‌ها و تحریکات او را بگیرند و فریاد حق طلبانه خود را به گوش مقامات مسئول دولت انقلابی برسانند و آنها را متوجه کنند که علیه انقلاب و هدفهای آن یک مرکز فاسد غارتگری و توطئه وجود دارد. در این اعتراض دسته‌جمعی به خاطر دفاع از انقلاب و برای افضای بزرگ مالک ضد انقلابی،

رپرتاژ مصور از روستای بهرام - موند آذربایجان شرقی



محصول کار این دهقان سالخورده دیگر به هیچ ترتیب و با هیچ بهانه‌ای نباید در میهن انقلابی ما به جیب ارباب برود. او و کشور او و انقلاب اوست که باید از نمره کسارش بهره‌مند شوند.

شوم آنها نقش بر آب شد. قانون اصلاحات ارضی یادگیرنده تائید سه تن از روحانیون سرشناس: آیت الله منتظری، و آیت الله بهشتی و آیت الله مشکینی رسید و بعد از آن که امام خمینی نیز بر تصمیم این فقها صحنه مجدد گذاشت، لیرالها و اربابان پرداختند. اکنون ضروری است که از هیئت‌های واگذاری زمین در برابر دسائس لیرال‌ها حمایت شود.

باید گفت نزدیک به ۲۲ ماه است که در انجام این امر حیاتی یعنی الفای بزرگ مالکسی و واگذاری زمین به دهقانان تاخیر شده است. و این بسود انقلاب و تحکیم آن نیست. اکنون که میهن ما مورد تجاوز رژیم مزدور صدام حسین چنایتکار و در محاصره اقتصادی آمریکا قرار گرفته است، احتیاج دارد که محصولات کشاورزی و مواد غذایی بیشتر تولید شود. تامین محصول بیشتر و جهاد کشاورزی رابطه مستقیم با واگذاری زمین‌های مالکان بزرگ که پایگاه دشمن و مخالف با انقلاب هستند، به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین دارد. اراضی بزرگ مالکان اغلی‌نسبی است، مثل همین ده طایم بر آفتاب، و مشمول بنده قانون میشود. مسئولان اجرائی این نکته مهم را نباید فراموش کنند.

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

بدریال درج یک خبر دهقانی در شماره ۲۴۸ نامه مردم، مورخ ۵۹/۷/۱۲، تحت عنوان "بانک کشاورزی شیراز توجه کند"، نامه‌ای به شماره ۱۵۵/۳۵۹۱/۲۵۹ - ۵۹/۷/۲۲ از طرف روابط عمومی بانک کشاورزی به دفتر نامه مردم ارسال شده است، که عیناً نقل می‌گردد:

"در مطلب گفته شده دوتن فرزند اهالی روستای شورجه سر استان فارس مدت یکسال است تقاضای وام برای حفر چاه و نصب موتور پمپ نموده اند، لکن این بانک از پرداخت وام خودداری نموده است. در پاسخ به اطلاع می‌رساند بانک کشاورزی در خدمت کلیه کشاورزان کشور می‌باشد و ممکن نیست کشاورزی به کشاورز دیگر رجحان داشته باشد. منتهی دریافت وام تابع شرایط و مقرراتی است و چنانچه کشاورزی شرایط مزبور را دارا نباشد، نخواهد توانست از وام بانک استفاده نماید. از جمله این شرایط آن است که واقعا کشاورز باشد و وام را برای مصارف کشاورزی بخواند. به بانک کشاورزی بدهی نداشته باشد. پروانه لازم را برای کار مورد نظر اخذ کرده باشد. وثیقه و یا ضمان لازم را به بانک معرفی نماید. لذا در مورد این دوتن نیز، که نامشان ذکر نشده است، ممکن است شرایط لازم برای اخذ وام را نداشته اند. از جمله برای حفر چاه نیازه پروانه حفری می‌باشد. بطور کلی بانک کشاورزی برای حفر انواع چاه‌ها و نصب موتور پمپ حداقل تا مبلغ ۱۵۰/۵۰۰ تومان وام تضمینی به مدت ۶ سال و با نرخ ۴ درصد کارمزد و بدون دریافت وثیقه ملگسی پرداخت می‌کند. برای حفر چاه‌های عمیق و ایجاد سیستم آبیاری جدید که نیاز به وام بیشتری می‌باشد بانک مبلغ مورد نیاز را با ارائه وثیقه ملکی در اختیار کشاورز قرار می‌دهد."

و حیاتی باید مشوق تولید و اشکال پیشرفته آن و منطبق با نیازهای واقعی اقتصاد سالم کشاورزی و منافع حیاتی دهقانان زحمتکش باشد. بعلاوه، بسیاری از ضوابط و شرایط دوران طاغوت، که نمی‌تواند و نمی‌توانست با در نظر گرفتن منافع کشاورزان روستاها تدوین شده باشد، متاسفانه هنوز باقی است. یکی از این شرایط مسئله بدهی‌های سابق دهقانان است. پرداخت بدهی‌های گذشته دهقانان بعنوان شرط دریافت وام جدید، اصولاً مطابق با راستای احیاء کشاورزی و رشکسته و طاغوت زده ما نیست، و انجام چنین شرطی فعلا از عهده میلیون‌ها کشاورز خارج است. باید بطور اضطراری و استثنایی بدهی‌های گذشته - اصل و فرع آن و نه فقط جرایم دیرکرد آن - را بخشوده اعلام کرد. برای رشته تولیدات کشاورزی و احیاء این رشته تولیدی مهم باید تدابیری نو و انقلابی اندیشید که بتوان با آن تحول کیفی و کمی عمیقی در کشاورزی ایجاد کرد. از جمله میتوان با الفای بدهی دهقانان، همراه با واگذاری زمین مزروعی به آنها و تأسیس مراکز خدمات کشاورزی و با دادن وام‌های جدید و ضروری به سورا های ده و بطور جمعی، امکان داد تا دهقانان زحمتکش، با بهبود وضع کشاورزی و اقتصاد خود و سالوده ریزی بخش تعاونی، که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، بتوانند نقش شایسته خود را در شکوفایی و تحکیم استقلال جمهوری اسلامی ایران ایفا کنند.

امیدواریم مقامات مسئول با تجدید نظر کلی در قوانین گذشته راه آینده را که راه سازندگی اقتصاد کشور است هموار کرده و رشد اقتصاد کشاورزی کشورمان را از دلان‌های تنگ اداری و قواعد و قوانین کمر شکن زمان طاغوت نجات بخشند. ضمناً از یادآوری اصول کنونی اعطای وام که در نامه روابط عمومی بانک کشاورزی به "نامه مردم" ذکر شده و می‌تواند در حال حاضر برای دهقانان و اطلاع آنها مفید باشد، سپاسگزار می‌کنیم.



مشهدی جیران زنی روستائی، از خانواده‌ای مبارز، در خانه گلی قدیمی خود، ما مدافع انقلاب هستیم و امیدواریم بچه‌ها و نوه‌های ما زندگی خوبی داشته باشند. نه مالکین به آنها زور بگویند و نه واسطه‌ها غارتشان کنند. زمین و محصول سال همه دهقانان باشد و همه دهاتی‌ها خانه مناسب و همه دهات مدرسه داشته باشند.



جمهوری اسلامی ایران، پشایه هدیه انقلاب بزرگ خود، زندگی سربلند، آزاد و انسانی را برای این کودکان دهقان به همراه خواهد آورد. چشمان پر امید آنها در انتظار تدابیر انقلابی است.

وام‌های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد، به شورای ده و به تعاونی‌ها برسانید.

بیانیه مشترک

سازمان حزب کمونیست عراق (دروغ) و سازمان حزب توده ایران (دروغ) درباره جنگ تجاوزی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

خلفای ایران و عراق را پیوندهای تاریخی بهم مربوط و نزدیک ساخته است. مبارزات هر دو ملت برای استقلال، دموکراسی و پیشرفت‌های اجتماعی، صفحات زرینی از تاریخ مبارزات بی‌امان خلق‌های تحت ستم منطقه را تشکیل می‌دهند.

خلق‌های ایران به‌نگام مبارزات خود علیه امپریالیسم انگلیس و آمریکا و برای ملی‌کردن نفت، از پشتیبانی بی‌دریغ مردم عراق برخوردار بودند.

مردم عراق نیز که در سال ۱۹۵۸ موفق شدند بساط حکومت منفور فیصل - نوری سعید را برچینند، با استقبال و همبستگی‌هایان خلق‌های ایران روبرو گشتند.

مبارزات خلق‌های ایران سرانجام دودمان طاغوت را درهم نوردید. انقلاب ایران در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی ضربات بی‌امان برپیکر امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا وارد ساخته است. در خلال تمام این مبارزات، مردم ایران از همبستگی بی‌شائبه مردم عراق برخوردار بوده‌اند.

اکنون رژیم بعثی عراق جنگ گسترده تجاوزکارانه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است. این رژیم در حقیقت بصورت عامل امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و مصالح خلق‌های ایران عمل می‌کند. گسترش این جنگ توسط بعث عراق، در عمل همان تلاش امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و دولت‌های ارتجاعی منطقه است، بخاطر سرکوب جمهوری اسلامی ایران و تحکیم سلطه خود.

دولت‌های ارتجاعی منطقه، از جمله رژیم بعثی عراق، از همان روزهای شروع انقلاب افتخارآمیز خلق‌های ایران، به دشمنی با آن شروع کردند و تنها هدفشان نیز متوجه جلوگیری از گسترش انقلاب در منطقه بوده است.

انقلاب بزرگ مردم ایران از ابتدا بصورت عامل الهام‌دهنده مبارزات مردم منطقه عمل کرده و در گسترش این مبارزات برای استقلال، دموکراسی و پیشرفت‌های اجتماعی، نقش ارزنده‌ای ایفا نموده است.

به‌وضع نابسامان درمانی

استان پوشهر رسیدگی کنید

عدم امکانات درمانی در استان پوشهر، در محدوده‌های بین استان ساحلی و خوزستان و فاسدان پزشکی متخصص، درمانگاه، بهداشت و دارو، مشکلات فراوان برای مرزنیسان این استان به وجود آورده است و این مناطق با جمعیتی حدود ۳۵۰ هزار نفر، تنها دو بیمارستان، یکی در مرکز استان پوشهر و یکی در برازجان دارد، که با کمبود متخصص، کادر، وسایل بیمارستانی و دارو روبروست.

مردم زحمتکش این مناطق، بخصوص روستائینان، سالیان دراز است که بیماران خود را از مناطق دور دست به این دو بیمارستان می‌آورند.

وظیفه دولت انقلابی است که هرچه زودتر به مشکلات درمانی و کمبودهای پزشکی این استان و وضع نابسامان روستائیان رسیدگی کند.

اعتراض کانون صنفی فرهنگیان به گرفتن تعهد

عدم فعالیت سیاسی از معلمان

کانون صنفی فرهنگیان در نامه سرگشاده‌ای به وزارت آموزش و پرورش، به گرفتن تعهد عدم شرکت در فعالیت‌های سیاسی، به عنوان تنها شرط بازگشت معلمان اخراجی به کار، اعتراض کرد.

در این نامه آمده است: "اخیرا مشاهده شده که در برخی از شهرستانها، جهت بازگرداندن معلمان اخراجی به کار، از آنان تعهدی گرفته می‌شود که مفهوم آن منع شرکت در فعالیت‌های سیاسی است. اتخاذ این رویه نامعقول و موهن، از جانب مسئولان مربوطه، چه عالماً عامداً، و چه از روی ناآگاهی انجام گرفته باشد، شدیداً به اعتبار و حیثیت والای انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد خواهد ساخت. به نظر کانون صنفی فرهنگیان، چنان مسئولانی، در خط‌اصیل انقلاب اسلامی نیستند و آشکارا اصول ۲۶ و ۲۳ قانون اساسی را مبنی بر آزادی شرکت مردم در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های صنفی و سیاسی و عدم تقشیش عقاید، زیر پا می‌گذارند و شایسته است که آنان را ارشاد کرده به احترام و رعایت قانون وادار ساخت.

ما از مقام وزارت و سایر مسئولان متعهد و انقلابی آموزش و پرورش کشور، انتظار داریم، در زمینه موقوف ساختن چنین اعمال بی‌رویه و ناپسند، تصمیمات مقتضی اتخاذ نمایند. نباید گذاشت در مهین از بند رسته و در جمهوری جوان و نوین‌یاد ما، این‌گونه اعمال زیان‌بخش و قبیح که مختص رژیم استبدادی و خود فروخته‌پهلوی بود، باب گردد.

وانگهی، اعمال این‌گونه روش‌ها، نه تنها اهانت به شخصیت معلم است، که خود بایستند منادی آزادی‌خواهی و حق‌طلبی و آموزش‌دهنده قانون باشد، بلکه سبب بی‌اعتبار ساختن ولکه دار کردن قانون اساسی جمهوری اسلامی است. برای دست‌یابی به این قانون، خون پاک هزاران شهید بر زمین ریخته شده، و برای حفظ و صیانت آن هنوز هم در مقابل تجاوزات بیگانگان و خشنی ساختن توطئه‌های رنگارنگ ضدانقلاب داخلی خون بر زمین ریخته می‌شود. پوشیده نیست که ادامه این خودسری‌ها، عمل‌کرد رژیم جمهوری اسلامی ما را، چیزی شبیه شیوه‌های شیطانی، ضدانسانی و قانون‌شکنانه رژیم ننگین طاغوت جلوه خواهد داد.

وظیفه ما است که از قانون اساسی جمهوری اسلامی با طاعت پاسداری کنیم و از دست‌آورد های گرانقدر انقلاب به رهبری امام خمینی، با شور و علاقه و با احساس مسئولیت حفاظت نماییم."

زنده باد مبارزات متحد خلق‌های ایران علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق!

زنده باد مبارزات خلق عراق برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری صدام‌حسین و برای ایجاد یک سیستم دموکراتیک با خودمختاری حقیقی برای خلق کرد!

زنده باد مبارزات حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و نیروهای مرتجع منطقه!

مردم ایران تا نثار آخرین قطره خون خود از جمهوری اسلامی ایران و خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی دفاع خواهند کرد.

رژیم بعث عراق می‌باید بدون قید و شرط به جنگ تجاوزکارانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران خاتمه دهد و به فوریت نیروهای نظامی خود را از خاک ایران بیرون ببرد!

سازمان حزب توده ایران (دروغ)
سازمان حزب کمونیست عراق (در سوئد)
استیکلم ۱۴ اکتبر ۱۹۸۰

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

مشکلات بیمارستان سینای گرومانشاه را بر طرف کنید

بیمارستان سینای گرومانشاه، با کمبود تخت، وسایل پزشکی و درمانی روبروست. بیماران در بدو ورود خود به این بیمارستان ناچارند ستاد اختصاص داده بیمارستان و روی پتو و مکتبهای زمین بسر برند تا جا و تخت خالی نصیبشان شود. معتادین در این بیمارستان حق ملاقات ندارند و این امر خود موجب نارضایتی در بین بیماران و عیادت کنندگان شده است. بخش مهمی از این بیمارستان، به بیماران روانی اختصاص داده شده است، در حالی که وجود فضای ساکت برای این نوع بیماران، این مکان همیشه مطمو از جمعیت و سروصد است. یکی از دلایل این سروصدا وجود ستاد حل کنند.

مطلق آریایی که صادر کردند محق بودند و کار آن‌ها در جهت حفظ شئون انقلابی و حفظ نظام بی‌روزمند انقلاب مایود. خوب حالا یک درصد، دودرصد هم ممکن است اشتباه باشد. مانع‌هایش را خودمان گفتیم: در کرمانشاه یک توده‌های مبارز و پستی‌بان خط امام را گرفتند و نیم‌ساعته اعدامش کردند. کسانی که آگاهانه این کار را انجام دادند، جنایت کردند و آن حاکم شرعی که یک چنین رای داده، اشتباه واقعا فاجعه‌آمیزی کرده است. ولی مجموعه عمل نهادهای انقلابی ایران را در این معایب نمی‌شود مورد قضاوت قرار داد و آن‌ها را رانگی کرد و جنگالی به راه انداخت که رادیو بی. بی. سی "رادبو" صدای آمریکا و "رادبو بغداد" بیانیند از آن سو استفاده کنند. وقتی یکی از لیبرال‌های ما مقاله‌ای می‌نویسد که رادیو بخیر رادیو بغداد و "بی. بی. سی" عیناً به آن استناد می‌کنند، به این عنوان که اختلاف دوران "آریامهری" الان در ایران حکمفرما است، خوب ما این رادیوگرمی توانیم به عنوان این که کسی طرفدار آزادی است تلقی کنیم. این راز به معنی کامل خود ضربه‌ای می‌دانیم به حیثیت جمهوری اسلامی‌ای که ما طرفدارش هستیم، با وجودی که در همین جمهوری اسلامی نسبت به آزادی فعالیت خود حزب ما در چارچوب قانون اساسی تجاوز می‌شود. با وجود این که هیچ دلیل و واقعه‌ای که دلیلی برای اشغال دفاتر ما وجود ندارد و تمام مراجع مهم قضایی و دولتی هم به ضرورت پس‌دادن این دفاتر رای داده‌اند، مذاکله کسانی هستند و در همین نهاد های انقلابی مراجعی هستند که عملاً نمی‌گذارند این‌ها را به ما پس بدهند. یا این که به عنوان مختلف پرونده‌های ناجوانمردانه‌ای علیه توده‌های ما می‌سازند که نمونه‌اش راما درباره آن خانه فرهنگی جنوب دیدیم چه چیز مسخره آمیز متضاحی که واقعا ساواکی می‌تواند یک چنین کاری بکند ساخته‌اند! ولی ما با مشاهده این عمل شبه ساواکی فوراً نمی‌گوییم که همه این‌ها کار ساواکی‌ها را می‌کنند. ما آدم‌های خیلی با انصافی هستیم. ما می‌گوییم تعیین کننده تمام عمل نهادهای انقلابی و محاکم انقلابی و کمیته‌ها این نیست. در عین حال که به حیثیت مادمه فوق‌العاده شدیدی می‌زند. دفاتر ما را در جاهایی می‌بندند. می‌ریزند و آن‌ها می‌زنند. ما این‌ها به هیچ وجه به حساب تمام حاکمیت جمهوری اسلامی نمی‌گذاریم. می‌دانیم که هم ضد انقلاب در این کارها دخالت دارد و هم عناصر فراطی قشری تنگ‌نظر در این کارها می‌توانند دخالت داشته باشند. در شرایط انقلابی از این نوع پدیده‌ها پیدای می‌شود. بایستی این‌ها را در چارچوب خودش مورد بررسی قرار داد و ارزیابی درست کرد. ما امیدواریم که نیروهای سالم اجتماعی همان طوری که من چند بار تکرار کردم بتوانند در این لحظه فوق‌العاده حساس خط خودشان را در مبارزه خود برای تأمین راستین آن آزادی‌هایی که مورد تجاوز قرار گرفته، از خط لیبرال‌هایی که در مقاله "اختناق که شاخ و دم ندارد" بازتاب پیدا می‌کند جدا کنند. این‌ها از بنیاد دو چیز به کلی مختلف هستند و به همین دلیل است که دشمنان انقلاب ایران برای مقاله "اختناق که شاخ و دم ندارد" این طور هورا می‌کشند و دست می‌زنند و می‌خواهند آن را به عنوان قیافه واقعی امروزی ایران جا بزنند. ولی از مبارزه‌ای که حزب توده ایران برای تأمین آزادی‌های دموکراتیک می‌کند، هیچ کدام از آن‌ها پشتیبانی نمی‌کنند و حتی این طرفداران "آزادی مطلق" هم حتی یک کلمه درباره این که چرا دفاتر حزب توده ایران را گرفتند و غسارت کردند و پس ندادند ننوشتند. بلکه در مقابل وقتی نامه "مردم" را به علت این که واقعتی رادرمورد صادق قطب‌زاده نوشته بود که صحت آن در تاریخ قطعا ثابت خواهد شد، توقیف کردند، روزنامه "میزان" - این طرفدار "آزادی مطلق" نمی‌توانست ارجح‌شالی در پوست خود بگذرد و بپای شرمی تمام این خبر را منعکس کرد. این‌ها هستند طرفداران "آزادی" - آزادی از یک طرف برای بخش تبلیغات و مقالاتی که صدای بختیار و اویسی و رادیو بغداد آن‌ها را منعکس خواهد کرد، ولی محدود کردن آزادی برای کسانی که از انقلاب دفاع می‌کنند. ما امیدواریم که نیروهای سالم این دورویی رادرمورد کنند، عمیقاً درک کنند و حساب خود را از حساب این گرایش‌های منحرف به طور جدی جدا کنند. دیالوگ

گام مهم در

بقیه از صفحه ۳
دکتر بنی صدر، رئیس جمهور در تمام مواضع اقتصادی و سیاسی بالیبرال-ها و دیگرانی که الان ظاهراً علیه نیروهای روحانیت مبارز، یانیروهایی که آن‌ها به عنوان "انحصار طلبان" معرفی می‌کنند، کاملاً در یک جبهه قرار گرفته‌اند. مثلا ما فکرمی کنیم که حتماً آقای رئیس‌جمهور در مسئله اصلاحات ارضی طرفدار انجام آن اصل ماده "ج" اصلاحات ارضی است، و در این مسئله با نیروهای دیگری که طرفدار آن هستند، از آن جمله دولت، ونخست‌وزیر که پایان دادن به مالکیت بزرگ ارضی را صریحاً لازم دانسته است، حتماً در یک موضع قرار دارد، و این خود یکی از مباحث مهم اختلاف بین لیبرال‌ها و نیروهای غیر لیبرال است.
به این ترتیب حکم کردن، این که کلیه کسانی که از لحاظ مسئله تضمین و تأمین کامل آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی برای نیروهای وفادار به انقلاب شکوهمند ما و نیروهایی که برای نگهداری جمهوری اسلامی ایران با فشاری می‌کنند در جبهه لیبرال‌ها قرار دارند، صحیح نیست. ما بین آن‌ها اختلافات خیلی خیلی جدی قائل هستیم. عده‌ای از مخالفین دولت کنونی هستند که معتقدند دولت کنونی نمی‌تواند از عهده وظایف و مسئولیت سنگینی که بر دوش دارد برآید، ولی این افراد را ما می‌شناسیم و می‌دانیم که این افسراد به تمام معنا در خط امام قرار گرفته‌اند و با تمام نیروی خود علیه امپریالیسم و برای پیروزی تمام آن هدف‌های اساسی خط امام که ما بارها پنج عنصر اساسی اش را تکرار کرده‌ایم مبارزه می‌کنند و در مسائل مربوط به سیاست اقتصادی کشور درآینده، در مسائل تغییرات بنیادی و در سیاست خارجی، به هیچ وجه کسانی مثل گردانندگان روزنامه "میزان" و سایر لیبرال‌ها وجه مشترکی ندارند. ما آن‌ها را می‌شناسیم. به این جهت است که ما بایستی دقیقاً تفکیک کنیم و به دیگر نیروها هم توصیه می‌کنیم - همان نیروهایی که الان در مقابل این جبهه به اصطلاح هواداران آزادی‌های دموکراتیک، آزادی‌های کامل و مطلق قرار گرفته‌اند - که در این دام نیفتند که همه این‌ها را به یک جوب برانند. ما معتقدیم که ممکن است در موضع گیری برخی از افرادی که در دوران انتخابات مجلس شورای اسلامی به آن‌ها رای دادیم تغییراتی پیدا کرده باشد و واقعا از یک جبهه بروند به جبهه دیگر (این امکان همیشه هست)، ولی به طور عمده آن‌ها در مواضع اصولی خودشان که مواضع اصولی انقلاب است هنوز جادارند. منتها اختلاف نظرهایی در موارد گوناگون به ویژه در مورد بعضی زباده‌رویی‌هایی که نیروهای افسراطی در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی کرده‌اند، دارند که ما آن نظریات را هم جدا تایید می‌کنیم. یعنی عین آن نظریاتی است که حتی ما هم داریم. از این افراط‌ها باید جلوگیری کرد. ما به هیچ وجه موافق نیستیم که یک عده بی‌مسئولیت بیاید بریزند به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران یا بریزند به روزنامه "میزان" یا بروند در مشهد به یک موسسه پژوهشی اسلامی حمله کنند، هر قدر هم که با گردانندگان آن جریان مخالف باشند. نهادهای انقلابی یا حقوقی که دارند به طور قانونی بایستی به هرگونه توهینی که به قانون اساسی انجام می‌گیرد و به هرگونه عمل ضدانقلابی که انجام می‌گیرد، رسیدگی کنند. کاری که دادستان انقلاب نسبت به بازداشت صادق قطب‌زاده کرده، یک کار قانونی است، کاری است که می‌شود به طور صریح دلایلی برایش آورد. پرونده‌های بوده است و مطابق آن پرونده، چه عضو سابق شورای انقلاب باشد، چه فلان فردی که در کوچه کارخلافی انجام داده، نهادهای انقلابی مطابق موازین قانونی حق دارند هر نوع عملی را که صحیح تشخیص بدهند، انجام دهند. یا محاکم انقلابی در اکثریت

امپریالیسم آمریکا یک ماه است از جواب دادن طفره می‌رود

یک مقام کاخ سفید گفت: «آمریکا در برطن آماده کردن پاسخ به سؤال ایران در مورد شرایط رهائی گروگانهاست» (کیهان - ۱۱ آذر).

این سخنان درست یکماه بعد از اعلام شرایط ایران برای آزادی گروگانها گفته میشود و بلافاصله خبر دیگری هم به آن اضافه میشود: «آمریکا در پیامی که دیتب به ایران فرستاده گفته است که پاسختی بشرایط ایران، فقط مربوط به دولت کاتری بوده و هنگامیکه ریگان در ماه ژانویه روی کار آید چه بسا تغییر کند» (هاناچا).

این سیاست یکی به میخ و یکی به نعل امپریالیسم آمریکا البته تاگزی ندارد. در یک ماهی که از اعلام شرایط ایران میگذرد، یانکیها مرتباً سرگرم بندبازی بودهاند. بهزاد بیوی وزیر مشاور دولت ایران این شاموردی بازی یانکیها را چنین افشاء کرده است:

«همانطوریکه قبلاً هم اعلام کردیم جواب آمریکا که جواب سریع و بدرد بخور نیست، البته اول اعلام شده بود که چهار شرط ما را پذیرفتهاند، اما وقتی متن اصلی پاسخ آنها را دریافت کردیم متوجه شدیم، بجای شروط تصویب شده بوسیله مجلس، آنها می‌خواهند مسائل دیگری را در این شروط بکنجانند، و بعضاً هم مشکلات قانونی و تفکیک‌توا را در آمریکا مطرح کرده‌اند... آمریکا صریحاً نکرده که شرط اول یا مثلاً سوم را پذیرفته یا شرط دوم را رد کرده...» (اطلاعات - ۱۰ آذر)

این تعویق و به‌عقب‌انداختن مساله گروگانهای جاسوس و مظهر رفتن از دادن پاسخ به ایران را همان امپریالیستی انجام میدهند که بعد از اشغال لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و به گروگان گرفتن عاملان توطئه و جنایت علیه خلق‌های ایران، دست به تبلیغات وسیع جهانی زدند و چنین وانمود کردند که حتی یک لحظه هم تاب این‌ها ندارند و «دیپلمات‌هایشان، «اسیر» باشند. تبلیغات امپریالیستها و دوستان لیبرالشان در

اگر شهید شدم...

بقیه از صفحه ۱

رفیق توده‌ای در پاسخ گفت: «پخوان و پخوان، حقیقت چون خورشید از زیر ابرهای تیره نمایان خواهد شد.»

رفیق آذریان گفت: «در مدرسه به من «کار» می‌دهند، راستی را بخواهی به نظر حرفهایشان درست است. مدتی است با آنها همکاری می‌کنم.»

رفیق توده‌ای گفت: «بیا «کار» و نامه «مردم» را با هم بخوانیم، خودتوبه واقفیت بی‌خواهی بر.»

این قرار، که پای آن‌ها درآسند ۵۸ ریخته شد، تا بهار ۵۹ ادامه پیدا کرد. در این مدت رفیق آذریان بعنوان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق فعالیت می‌کرد. اواخر بهار ۵۹ رفیق آذریان به رفیق توده‌ای گفت: «مثل اینکه من ۳۶۰ درجه دور خودم چرخیده‌ام، چون دوباره دارم به حقایق حزب توده ایران معتقد میشوم.»

رفیق آذریان اضافه کرد: «در محفل‌های هوادار سازمان که برای خواندن کتاب جمع می‌شویم، نمی‌تواند به سؤالات من جواب بدهند. فقط کتابهای حزب و نامه «مردم» جواب مشکلات مرا می‌دهند.»

در این موقع رفیق آذریان شروع به خواندن آثار کلاسیک کرد. در حالیکه مسائل عمده انقلاب ایران همچنین برایش سؤال بود. برای پیدا کردن جواب این مسائل، مرتب نوارهای «پرسش‌پاسخ» رفیق «کیانوری» را گوش میداد.

رزمندگان انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

کرخه، برای حمله گروهای کشتی رزمنده ما، ۱۰ تا ۱۵ نفر از افراد دشمن به هلاکت رسیدند.

۳- در نتیجه فعالیت‌های یکگانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و در ادامه عملیات توبخانه نیروی زمینی در منطقه خوزستان، ۱۵ دستگاه تانک، یک عراده توپ، ۳ دستگاه خودروی نظامی، ۲ دستگاه پولورز، یک دستگاه نفربر و ۲ دستگاه با نفرات آن منهدم و ۲۰ تن از دشمنان انقلاب اسلامی به هلاکت رسیدند. در همین روز رزمندگان اسلام در جبهه جنوب توانستند یک ستون کسامیون دشمن را متفرق و تلفات سنگینی به آن وارد کنند و چندین سنگر دشمن و ۲ سنگر دیده‌بانی، یک دستگاه تریلر و ۲ دستگاه خودرو را با آتش توبخانه خود نابود کنند. دلوران ما همچنین توبخانه دشمن را خاموش کردند و بیش از ۵۰ نفر از قوای کفر را کشتند و ۸ نفر را نیز زخمی کردند. در این عملیات ۳ نفر از قوای خوی شهید و نفر نیز زخمی شدند. ۴- درگیری در شوش، شیرین، کانی‌سخت، کجان‌چم، ملکشاهی و صالح‌آباد به صورت تبادل آتش ادامه داشت و در سومار و افتار آباد، در اثر آتش توبخانه سپاه اسلام، ۲ دستگاه تانک و خودروی نظامی دشمن به کلی منهدم شد. در این جبهه نیز حداقل ۵۰ تن از مزدوران عراقی به هلاکت رسیدند. در نتیجه عملیات آتش مداوم روی یکگانه‌های دشمن در تمام جبهه‌های نبرد ضایعات و تلفات قابل‌ملاحظه‌ای به نیروهای متجاوز وارد شده است. در ادامه اعلامیه به روحیه ضعیف پرسنل ارتش دشمن و بی‌ایمن آمدن کارایی آنان اشاره شده و درباره سرکوب شدید سربازان ارتش عراق توسط فرماندهان مزدور

نامم را در صفحه اول نامه «مردم» بنویسید.

رفیق محمدرضا آذریان در لحظه خداحافظی به خواهرش وصیت کرد:

«من دیگر توده‌ای هستم، اگر کشته شدم اسمم را در نامه «مردم» بنویسید.»

و باین ترتیب رفیق قهرمان، محمدرضا آذریان به جبهه نبرد رفت و جان خود را نثار انقلاب کرد.

توضیح: دوستان فدائیان در شماره ۸۲، ارگان سراسری سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اکثریت) اعلام کرده‌اند که رفیق آذریان، «فدائی خلق» بوده است. به نظر ما دوستان فدائی این اشتباه را باین سبب مرتکب شده‌اند که در جریان تحولات فکری رفیق شهید نبوده‌اند و به این واقعیت توجه نکرده‌اند که در میان هواداران سازمان فدائیان خلق (اکثریت) بسیاری رفتاری که در سیر رشد اندیشه‌های خود، به حزب توده ایران پیوسته‌اند و نیز بسیاری رفتاری که در مرز بین سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و حزب توده ایران قرار دارند، با اینهمه، از آنجا که حزب توده ایران، حزب شهید، برای اثبات حقایق خود، نیازی به شهید ندارد و شهیدانی چون رفیق آذریان قبل از همه به تمام‌پیران سوسیالیسم علمی و به انقلاب و همه خلق ایران تعلق دارند، در صورت اصرار رفتاری فدائیان (اکثریت)، حزب توده ایران در زمینه تعلق سازمانی رفیق شهید، قبل از شهادت، پانشاری نخواهد کرد، زیرا خون شهیدان میثاق وحدت است، نه پایرهیز جدایی و تعلق.

رژیم صدام از جمله آمده است: «برابر گزافات واسله چند نفر از افراد نظامی عراقی مستقر در حوالی آباد بدلیل افتاد بهربری امام خمینی به جوخه اعدام سپرده شده‌اند. درگیری‌های دیگری یک دستگاه تانک، ۳ قیفه توپ، ۲ دستگاه خودروی نفربر و یک دستگاه خودروی حامل مهمات دشمن منهدم شد و بیش از ۴۰ تن از مزدوران عراقی کشته و مجروح شدند. بنابه همین گزارش در این آتش‌نروهای انقلاب در منطقه جنگی اهواز یک فرزند هلیکوپتر عراقی در روز پنجشنبه سقوط کرد. در این درگیریها ۳ تن از مدافعان انقلاب شهید، ۷ تن زخمی و یک دستگاه خودروی نفربر با نیز منهدم شد. همچنین گزارشی پارس به نقل از ستاد فرماندهی خویین‌شهر و آبادان گزارش داد برائرت آتش دشمن متجاوز بر مناطق مسکونی طی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، ۳ تن شهید و ۱۵ تن مجروح شدند.

جبهه‌های غرب...

آخرین گزارش خبرنگاران دفتر مژگی خیر و خیرگزاری پارس که شب گذشته (پنجشنبه شب) مخابره شده‌ا که «بدر» همچنان در جبهه‌های غرب کشور با برتری آتش رزمندگان جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد، بنابه گزارش خیرگزاری پارس، روز پنجشنبه، رزمندگان انقلاب بسا استفاده از تکنیک دقیق و آتش منظم، یک ستون کسامیون دشمن را در هم کوبیدند و ۱۲ کسامیون دشمنان انقلاب را نابود کردند. در جبهه گیلانغرب نیز حمله هوایی متجاوزین با آتشبارهای مدافعان انقلاب دفع شد. براساس این گزارش دلوران انقلاب با

ضرورت تحول...

بقیه از صفحه ۱

«مسئله بساکازی مهمترین مسئله روز ماست، یعنی از یکسو در بعضی مناطق پاکسازی با نتیجه انجام شد و اینجا کسانیکه صالح بودند و کنار گذاشته شده‌اند و از سوی دیگر مواردی هم اتفاق افتاده که کسانیکه باید برکنار میشدند، که هنوز در قلمرو پاکسازی قرار نگرفته‌اند. در سطح آموزش و پرورش برای اینکه پرسنلش وسیعتر بوده، طبعاً این موارد هم زیاد بوده است.»

اکنون این امید پدید آمده که با انتخاب آقای دکتر باهر به وزارت آموزش و پرورش، افراد مومن و معتقد به انقلاب، که صرفاً به علت عقاید سیاسی و ایدئولوژیکیشان پاکسازی شده‌اند، به‌مشاغل خود بازگردند، زیرا آقای دکتر باهر بدورستی برای تعلیم خوب سه‌شروط قائل شده است:

۱- برخورداری از تخصص، ۲- آشنائی به شیوه معلمی کلاس‌داری و سوسین‌شروط آنکه معلم نقش گمراه‌کننده و منحرف‌کننده در کلاس نداشته باشد. براساس این سه شرط، همه کسانیکه متعهد و مومن به انقلابند، صرف نظر از آنکه دارای کدام عقیده سیاسی و ایدئولوژی باشند، تا زمانیکه توطئه علیه انقلاب نکرده و سعی در گمراهی و انحراف دانش‌آموزان در برخورد با مسائل انقلاب نداشته باشند، باید در مشاغل خود بمانند. بسیاری از مناطق آموزش و پرورش، چه در مرکز و چه در شهرستانها، برای استخدام و یا بساکازی معلمان و دبیران، پرسنل‌های ارائه داده و پسا شفاها شوالاتی مطرح کرده‌اند که فقط میتوان بر آن تم‌تفتیش عقاید گذاشت، ولو آنکه آنرا «یافتن خط مکتبی افراد» نام گذاری کنیم. سؤوال‌هایی نظیر: - چه نوع کتابهایی میخوانید؟ - نقل شما دربارهٔ نیروهای غیر مذهبی چیست؟ - چرا در استان‌ها تصاحب شده؟ - نقل شما نسبت به کشورهای سوسیالیستی چیست؟

دهها سؤال دیگر از این قبیل، نامش فقط تفتیش عقاید است، و هیچ‌کوشاوندی با مسئله متعهد بودن و مومن بودن معلم به انقلاب ندارد. معلم می‌تواند کتابهای مارکسیستی را هم بخواند و نسبت به کشورهای سوسیالیستی نظر مثبت داشته باشد و در عین حال مدافع صمیمی و پیکر انقلاب باشد، چنانکه همه اعضاء حزب توده ایران، چنین‌اند. اما معلم می‌تواند کتابهای مارکسیستی را به آتش کسد و دشمن خونی کشورهای سوسیالیستی باشد، اما با انقلاب سر آشتی‌ناشته باشد و در صف ضدانقلاب در کین انقلاب باشد، چنانکه همه وابستگان به رژیم شاه ملعون و ساواکی‌ها چنین‌اند. آیا بسود انقلاب است که از میان این دو گروه، دومی‌ها را بر اولی‌ها ترجیح شماریم؟

مسائل مربوط به آموزش و پرورش، که با سرفروش نسل کنونی و آینده، با سرفروش انقلاب بزرگ ما بی‌بندناگستی دارد، دارای اهمیت حیاتی است. همه نیروهای انقلاب، همه مسئولان متعهد باید به‌تفصیل اهمیت آموزش و پرورش را درک کنند، بلکه با تمام توان و امکان خود برای حل مسائل دشواره، بفریح و حیاتی آموزش و پرورش بکوشند. امید و انتظار ما آنست که آقای دکتر باهر در ایجاد تحول انقلابی در وزارت آموزش و پرورش موفق باشد.

جلادشاه به کشتار توده‌ای‌ها اعتراف و افتخار می‌کند!

سهبید بازنشسته نادر باتماقلیج رئیس ستاد ارتش در زمان حاکمیت ۲۸ مرداد این روزها در دادگاه انقلاب حاضر شده تا به قضات پاسخ‌دهد چگونه ۲۵ سال از سردمداران جنایت و غارت رژیم پهلوی در ایران بوده است.

جنایات «آقای باتماقلیج ظاهر السلاح سردمداران رژیم شاه زنجیره‌ای طولانی است. این سرجلاد شاه براساس کثیرخواست دادستان انقلاب که در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۰ آذر آمده است از جمله در کودتای ۲۸ مرداد شرکت مستقیم و فعال داشته و از طرفداران و برنامه‌ریزان اصلی کودتای بوده است برنامه کودتا در منزل و در باغ یکی از اقوامش در ۱۶ کیلومتر ۱۶ جاده کرخ طرح شده است. او در کودتای و سرکوب انقلابیون دخالت نموده و هم‌اکنون در کشتار و سرکوب انقلابیون» قتل داشته است. بعد از کودتا به پاس این جنایات باتماقلیج به سمت «نماینده نظامی دائمی ایران در پیمان سنتو» و «نماینده نظامی ایران در پیمان مرکزی» به خدمات خود به امپریالیسم آمریکا ادامه میداد، و در همان حال به قفس اراضی مزروعی کشاورزان و ستم و ظلم نسبت به اهالی قریهٔ حصارامیر و اسفراین قرون» ادامه میداده است.

چنین جنایتکار پلیدی که تنها شرح‌نورس خیانت‌ها و جنایت‌هایش نصف صفحه از روزنامه اطلاعات را بخود اختصاص داده و از بندبند ناخوابش خون انقلابیون جاریست، هنگامیکه در دادگاه نوبت به او میرسد تا دفاع کند یا پنهان شدن در زیر چتر اسلام، بی‌شرمانه به کشتار توده‌ای‌ها اعتراف کرده و آنها را از افتخارات خود شمرده است. سهبید باتماقلیج که نام این جنایات را رهائی کشور از شر اجنبی میخواند، در دادگاه انقلاب گفته است: «بنا به خواست پدرم وارد ارتش شدم تا از این طریق بتوانم به وطن خدمت کنم و کشورم را از شر اجنبی رهانم» و در این راه تلاش فراوان کرده (اطلاعات - ۱۰ آذر).

سهبید باتماقلیج خدمت پوطل را بنا کشتار مردم آذربایجان و توده‌ای‌ها آغاز کرده: در سال ۱۳۲۵ در آزادی آذربایجان مشارکت فعال داشته و دموکراتها و توده‌ای‌ها را که خیال‌های خام داشتند، نارومار کرده (هاناچا)

جلاد شاه بعد از «آزادی آذربایجان» که ملی آن ۲۰ هزار نفر از زحمتکشان آذربایجان و پیشاپیش آنها توده‌ای‌ها بدست رژیم شاه - فعال میداد و برای نجات وطن از «میراجنی» به سرکوب اعتصابات کارگری مشرک‌داز و سپس در طراحی و اجرای کودتای آمریکا و ۲۸ مرداد فلالانه شرکت می‌کند و در پی آن، مطابق دادخواست، به «کشتار انقلابیون» می‌پردازد. خود او به این جنایات چنین اعتراف می‌کند:

«موقعی که رئیس ستاد ارتش بودم... اطلاعاتی بدست آمد که نشان میداد ۶۰۰ نفر از افسران و ۱۲ هزار نفر از درجه‌داران آنکت» حزب توده را بر کرده‌اند و این نشان میداد که ارتش ۱۲۰ هزار نفری آنروزی ترانس، در اختیار توده‌ای‌ها قرار بگیرد و شرکت‌های مانند من جانفشانی نمی‌کردند امروز نمیدانستم من وشما کجا نشسته بودیم» (کیهان - ۱۱ آذر)

جلاد شاه در این سخنان، صرف نظر از نادرست بودن ارقام یادشده، باهم اعتراف کرده که در کشتار توده‌ای‌ها جانفشانی کرده است. مسلماً دادگاه انقلاب، مانند موارد دیگر، سزای این جنایتکار را که می‌کوشد بسا افتخار به کشتار توده‌ای‌ها مجازات خود را کم کند: کف دستش خواهد گذاشت. اما آنچه مهم است، توجه مبارزان صدیق انقلابی به این امر است که چه جنایتکارانی بنابر سیاست سازمان «سیاه» توده‌ای‌ها را «اجنبی» میخوانند و خود را مدافع وطن نشان میدهند. این اعتراضات همچنین بادر دیگر نشان میدهند که بنزد دشمنان و افتراها، علیه حزب توده ایران در دستهای خوین چه جلادانی روئیده و آبیاری شده است.

ایندیرا گاندی: دوستی با شوروی برای هند یک مسئله اصولی است

گسترش و تحکیم بخشند. خانم گاندی از سفر وزیر هند ضمن استقبال از سفر لئونید برژنف به هند که در آینده نزدیک انجام خواهد شد گفت: دوستی بسا شوروی یک مسئله اصولی برای هند است و دو کشور مصمم‌اند این دوستی را

جاسوس پاکستانی در هند دستگیر شد

ماموران امنیتی هند یک جاسوس پاکستانی بنام عبدالشکور را در کشمیر هند دستگیر کردند. جاسوس دستگیر شده یکی از صدها جاسوسی است که دولت مست‌نشانده شیاعالحق برای خرابکاری به هند میفرستد.

آنان برای دفاع از انقلاب گفت:

«میدانید که برادران سپاه پاسدار امروز یک محور ارزنده‌ای در نیروهای است که در میدان جنگ دارد می‌جنگند... مراجعه کنید در سپاه پاسداران».

جستار اسلام خاتمه‌ای سپس خطاب به مسئولان امر در سپاه پاسداران گفت که: «داعوش بازکنند و اینهمه داوطلب و علاقمند برای اینکه بایند جزو این سپاه انقلاب بشوند، اینها را قبول کنند».

حجت‌الاسلام خاتمه‌ای:

حجت‌الاسلام خاتمه‌ای افزود: «قدر این مردم و قدر این نیروها را دولت و دستگاه‌های اجرائی باید بدانند.»

حجت‌الاسلام خاتمه‌ای در بخش دیگری از سخنانش خود، ضمن اشاره به این مطلب که بسیاری از جوان‌ها بیش از نیاز موجود، برای رفتن به جبهه و شرکت در جنگ مراجعه می‌کنند، با اشاره به اشتیاق

اهمیت منشور سازمان ملل متحد بجای خود باقیست

منشور سازمان ملل متحد در تاریخ دوم آبان ۱۳۲۹ رسیده است. هنوز چند هفته‌ای از پایان جنگ جهانی گذشته بود که این منشور، عزم امضاءکنندگان آنرا مبنی بر «حفاظت نسلهای آینده در برابر آتش جنگ» اعلام داشت. هدف منشور سازمان ملل متحد آن بود که صلح جهانی و امنیت بین‌المللی را حفظ کند، مناسبات دوستانه را میان همه خلقها توسعه بخشد و همکاری آنها را در حل مسائل بین‌المللی مشوق باشد.

در سی و پنج سالی که از امضای این منشور میگذرد، سازمان ملل متحد، بدون تردید، به تأمین صلح و همکاری کمک‌های بسزایی کرده است. یکی از بارزترین نمونه‌های تحقق برخی از مفاد «منشور» را در افزایش اعضای سازمان ملل میتوان دید، که از سی و پنج سال پیش سه برابر شده و اینک به ۱۵۲ رسیده است. این رقم حاکی از آنست که بسیاری از کشورهای مستعمره و جنبشهای آزادیبخش حق تعیین سرنوشت خود را - که در «منشور» تسجیل شده است - بدست آورده‌اند.

از سوی دیگر سازمان ملل متحد همیشه از «قانون اساسی» خویش بی‌پرویی نکرده است. کشورهای امریالیستی بارها با خشونت و زورده‌اند. ولی در عین‌حال شماره و توان نیروهای صلح و پیشرفت اجتماعی در سازمان ملل متحد نیز همواره روبه‌افزایش بوده است. میتوان گفت که این نیروها اینک سالهاست که پیشتازی را در این کشور مهم بین‌المللی آغاز کرده‌اند. دیگر آن دوران سپری شده است، که دولت‌های امریالیستی میتوانستند به «دانشین رای‌گیری» خود بیاندازند.

علیرغم این واقعیت، که اکنون ۲۵ سال از حیات منشور سازمان ملل متحد میگذرد، هدفهای اعلام شده در آن بیچیز روی اهمیت هم خود را از دست نداده است. چنانکه شاهدیم، باز دیگر امریالیسم جهانی، بسرگردی امریالیسم ایالات‌متحده، به تنش‌فزایی دسراسر کره زمین مشغول است.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی یادداشتی به اجلاس جاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد، زیر عنوان «برای صلح و خلع‌سلاح و تضمین امنیت بین‌المللی» ارائه داشته‌اند. این یادداشت تنها یکی از پیشنهادهای و ابتکارات بیشمار این کشورها برای پیشبرد اصول «منشور» در زندگی بین‌المللی است.

خواست کشورهای سوسیالیستی آنست که سالهای هشتاد، دهه تحدید تسلیحات و خلع‌سلاح باشد. سازمان ملل متحد میتواند و باید به‌عامل مهمی در راه پیشرفت این هدف والا تبدیل گردد.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

آیدا سازمان حزب در همدان ۹۲۵۰ ریال ۵۰۰۰۰ ریال

توضیح درباره ناریا

اخیرا جزواتی با نام مستعار «ناریا» علیه حزب توده ایران منتشر میشود. محتوای این جزوات چیزی که درخورباستخوانی باشد، ندارد. انتشار این جزوات ربابیت گوشه‌ای از توطئه علیه حزب توده ایران تلقی کرد که از جانب جبهه رنگارنگ و وسیعی صورت میگیرد: از رادیوی صدای آمریکا، بی‌بی‌سی، رادیو بغداد و رادیوهای ضدانقلاب تا گروهکهای آمریکا ساخته درجبه‌های پوک و لیبرالهای وطنی.

توضیح ما بعلت پرسشهای متعددی است که از طرف دوستان ما بعمل آمده است. این دوستان می‌نویسند که نویسنده «ناریا» این جزوات ادعا میکند که عضو سابقه‌دار حزب توده ایران است. پاسخ ما به این دوستان چنین است:

نویسنده این جزوات هیچگاه عضو حزب توده ایران نبوده است. درست‌است که وی دویارقتضای عضویت حزب را پر کرده، ولی هر دو بار بعلت عدم صلاحیت به حزب پذیرفته نشده است.

از آنجا که حزب توده ایران هرگز نخواسته است از زندگی خصوصی و مسائل شخصی برای افساد مخالفان خود بهره‌گیری کند، در این مورد هم از بیان‌علنی دلائلی که موجب تشخیص عدم صلاحیت آقای «ناریا» برای عضویت در حزب توده ایران شده است، خودداری میکند، ولی در صورتیکه آقای «ناریا» خود را علنا معرفی کند و خواستار انتشار دلائل عدم صلاحیت شده، مابه این‌خواست اوباسخ مثبت‌خواهیم داد.

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۱۳۵۹/۹/۱۴

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی‌منش وبه‌شماره ۳۲۳۲۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه همدان)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM No. 387 6 December 1980 Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به‌آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند: صندوق پستی ۴۱/۳۵۹، منطقه ۱۴ پستی تهران

مادر دادم نمی افتم! شما هم از داهما حذر کنید!

دیواره اعلام جرم روزنامه جمهوری اسلامی علیه نامه مردم

حساس، تأکید کرد و گفت: «استان سیستان و بلوچستان یکی از مناطق بسیار حساس است و از طرفی ضدانقلاب نیز سعی بسیار کرده تا برنامه‌های در این منطقه اجرا کند...»

نامه مردم، ضمن مقاله‌ای تحت عنوان «ضدانقلاب زمینه توطئه وسیعی را در سیستان و بلوچستان آماده می‌کند»، در شماره مورخ ۶ آذرماه ۵۹، ضمن نقل سخنان استاندار سیستان و بلوچستان (بخشی به نقل از «جمهوری اسلامی» مورخ ۴ آذر ۵۹ و بخشی به نقل از تلویزیون استان سیستان و بلوچستان مورخ ۱۸ مه ۵۹)، به ستولان کشور در مورد توطئه‌های امریالیسم آمریکا و ایادیش در سیستان و بلوچستان هشدار داد و نوشت که: «باید با تمام نیرو آماده بود و این توطئه را خنثی کرد».

نامه مردم، همچنان که در افشای توطئه‌های ضدانقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران، روش همیشگی آنست، یازدیگر نسبت به این توطئه خطرناک در شماره ۱۱ آذرماه ۵۹ خود هشدار داد و در مقاله‌خویش تحت عنوان: «توطئه و تحریکات آمریکا و پاکستان را در سیستان و بلوچستان افشا و خنثی کنید»، به این‌مسئله پرداخت. در همین مقاله نامه مردم، در نقل قول‌یادشده از استاندار سیستان و بلوچستان، یازدیگر مطرح‌شده، ولی متأسفانه بعلت اشتباهی که در چاپخانه رخ داده است، هر دو نقل قول به «جمهوری اسلامی» مورخ ۴ آذرماه ۵۹ منسوب گشته‌اند.

اینست آن مطالبی که روزنامه جمهوری اسلامی، نسبت به آنها اعلام جرم کرده و بمناسبت آن به ما دشنامهای غلاظ و شداد داده و افتراهای ناروا وارد ساخته است.

آیا روزنامه «جمهوری اسلامی» نمیتوانست بجای چنین برخورد غیرمنطقی، غیرقانونی، غیراخلاقی و خصمانه، این اشتباه را به‌شیوه‌ای کسه شایسته روزنامه‌ایست که خود را پیرو خط امام و مدافع اساس قانونی جمهوری اسلامی ایران، یعنی قانون اساسی میداند، تذکر دهد و نوشته‌های شماره ۶ آذر ۵۹ نامه

روزنامه «جمهوری اسلامی» در شماره مورخ ۵۹/۹/۱۳ خود علیه نامه مردم «اعلام جرم» کرده و در متنی سرپا دشنام و توهین و افترا علیه حزب توده ایران، مدعی شده است که حزب توده ایران درصدد «سوءاستفاده‌های سیاسی بنفع ابرقدرت‌هاست!» و میخواهد «خط ارتباط و سرسپردگی به روسیه را در ایران ترویج دهد و عملاً بصورت ستون پنجم روسیه در ایران، عمل میکند!»

علت این خصم و کین تاسف‌آور، حیرت‌انگیز و غیرمنطقی و افتراهای که طرح هر کدام از آنها طبق موازین قانونی و مطبوعاتی جرم محسوب میگردد، ظاهراً آستکه: «در شماره ۳۸۴ نامه مردم، مورخ سه‌شنبه یازدهم آذرماه ۵۹، در صفحه اول مطلبی تحت عنوان «توطئه تحریکات آمریکا و پاکستان را در سیستان و بلوچستان افشا و خنثی کنید» درج کرده‌اند. در متن این خبر، از روزنامه جمهوری اسلامی مورخ چهارم آذرماه مطلبی نقل شده است که سراسر جعل و تحریف است. روزنامه حزب توده ظاهراً بنقل از روزنامه جمهوری اسلامی اظهارات استاندار سیستان و بلوچستان را بیان کرده‌است. در صورتیکه اظهارات مزبور بیچوجه در اصل خبر وجود ندارد. (جمهوری اسلامی، ۵۹/۹/۱۳) بیشک خواننده از خود خواهد پرسید که: نامه مردم چه مطلبی را به «جمهوری اسلامی» منسوب کرده است که از نظر این روزنامه «سوءاستفاده سیاسی بنفع ابرقدرت‌ها» و «ترویج خط ارتباط با شرق و سرسپردگی به روسیه» تلقی شده است. و این روزنامه بخود حق داده‌است به حزب توده ایران افترا بزند که «ستون پنجم روسیه در ایران» است. و سرانجام، محمل «اعلام جرم» چیست؟

روزنامه «جمهوری اسلامی» در اینمورد کاملاً سکوت می‌کند و حتی نمیگوید که آن مطلبی که وی انتساب آن را به‌خویش رد میکند، صحیح‌است یا خیر. روزنامه «جمهوری اسلامی» همچنین با اطلاق صفت «سراسر جعل و تحریف» به خبر مذکور، تلویحاً، صحت آنرا مرود می‌شمارد.

و اما واقعیت چیست؟ استاندار سیستان و بلوچستان، پس از شهادت ۱۱ پرسنل ژاندارمری توسط اشترار، در یک مصاحبه در تاریخ ۵۹/۷/۱۸ با تلویزیون استان گفت: «ما این را یک مسئله کوچک تلقی نمیکنیم. من مطمئن هستم و یقیناً بااطلاعاتی که در اختیار دارم می‌دانم، این یک جزئی از برنامه کلی ضدانقلاب‌خارجی و داخلی است و مخصوصاً در این شرایط که سعی می‌کنند سر ما را در جای دیگری هم گرم نگاهدارند، در این بین که دولت یعنی جنایتکار بعث عراق در غرب مشغول قلع و قمع است و پروی مردم پدافاع و بیگناه بیب می‌ریزد، اینجا هم ایادی آنها، ایادی آمریکا، این کسانیکه منافشان درمنطقه بخطر افتاده و بخصوص برای اطلاع شما عرض یکنم که ما ردیای بختیار هم در این طرف دیدیم».

استاندار سیستان و بلوچستان پس از ملاقات با امام خمینی نیز بر توطئه‌های ضدانقلاب در این منطقه

بر اثر سیاست برتری طلبانه پکن: امنیت کشورهای خاوری و جنوب‌خاوری آسیا به‌خطر افتاده است

در حالیکه اوضاع اقتصادی چین با ناسامانیهای زیاد دست به گریبان است، رهبران مائوئیست پکن در اجرای هدفهای تجاوزکارانه و جاه‌طلبانه خود، گسترش نیروی جنگی را سرسخانه تعقیب میکنند. کارشناسان نظامی ژاپن در این زمینه از جمله به معاهدات تسلیحاتی چین با خارج اشاره می‌کنند. نظامیان ژاپن به تغییر استراتژی نظامی چین از جنگ گسترده جهانی به جنگهای محلی اشاره می‌کنند و عقیده دارند که تجاوز سال گذشته چین به ویتنام، نمونه‌ای از این استراتژی جدید است و بنابراین کشورهای منطقه نمی‌توانند احساس امنیت کنند.

از سوی دیگر چند روزنامه هنگ‌کنگ از یک مبارز شدید در داخل رهبری چین خبر می‌دهند. هر دو گروه درگیر در این مبارزه داخلی به تسلط چین بر آسیا معتقدند. اما گروه اول میخواهد این کار بمحض آنکه برنامه‌های نظامی کنونی چین به پایان رسیده آغاز شود، در صورتیکه گروه دوم اعتقاد دارد که باید تا تکمیل سلاحهای ویژه بر تاپ پیکان هسته‌ای منتظر ماند.

امپریالیسم آمریکا هزینه تجاوز پاکستان به حقوق خلقهای منطقه را تأمین می‌کند

تصمیم صندوق بین‌المللی پول در مورد اعطای یک اعتبار یک میلیارد و شصت میلیون دلاری به رژیم دست‌نشانده ضیاع‌الحق در شبه قاره هند بازتاب گسترده‌ای داشته است. صندوق بین‌المللی پول، که زیر سلطه امپریالیسم آمریکا است، اعلام کرده است یک وام یک میلیارد و شصت میلیون دلاری در اختیار پاکستان قرار می‌دهد تا این کشور به اقتصاد خود «سروسامان» دهد.

رژیم دست‌نشانده ضیاع‌الحق با افزایش بی‌سابقه هزینه‌های نظامی، بار سنگینی بردوش زحمتکشان و توده‌های محروم پاکستانی قرار داده و اقتصاد کشور را به‌آستانه ورشکستگی گشاده است. دولت مزدور ضیاع‌الحق بدستور اربابان آمریکایی خود، کشور را به پایگاه آشکار توطئه و تجاوز علیه هند و افغانستان، تبدیل کرده است و با مسامح وام صندوق بین‌المللی پول به پاکستان در واقع تأمین هزینه‌های این توطئه‌ها توسط امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکای جنایتکار است. ولی در حقیقت این مردم پاکستان هستند که باید هزینه سنگین تجاوز رژیم دست‌نشانده ضیاع‌الحق، به خلقهای دیگر را با قیمت فقر و خانه‌خرابی خود بپردازند.

دیدار یاسر عرفات با مشاور دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی در دمشق

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، ملاقات و گفتگو کرد. کوزتسوف در جریان دیدار، یازدیگر حمایت قاطع و اسلیمی کوزتسوف، معاون شورای عالی اتحاد شوروی و عضو مشاور دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست این کشور، در جریان اقامت خود در دمشق، با

«مردم» را - که دو نقل به تفکیک در آن ذکر شده - و بویژه اصل و اهمیت موضوع را در نظر گیرد؟

کجای این نقل قول یادشده، مبین «سوءاستفاده سیاسی بنفع ابرقدرت‌ها» است و چگونه افشای توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ایادیش در یکی از حساس‌ترین نقاط جمهوری اسلامی ایران، «ترویج خط ارتباط با شرق و سرسپردگی به روسیه» است؟ کجای بیان این واقعیت، نشانه عمل کردن «بصورت ستون پنجم روسیه در ایران» است؟

مسلم است که بدشواری میتوان در این افترای خشم‌آلود، از انصاف انسانی و اخلاق اسلامی و صداقت انقلابی نشانی یافت.

اصل مسئله، یعنی واقعیتی که استاندار سیستان و بلوچستان، جداگانه، یکبار در مصاحبه با تلویزیون استان و یازدیگر پس از ملاقات با امام خمینی، بیان کرده، و ما بر آن تأکید کرده‌ایم، بارها از جانب مقامات دولتی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز تأکید گردیده است.

آیا این با احساس مسئولیت انقلابی تطبیق میکند که شما بر اساس اشتباه چاپی که در مطبوعات بیچوجه غیرعادی نیست و با یک تذکر ساده قابل رفع است. این واقعیت انکارناپذیر و در عین حال خطرناک رانده پیکرید و علیه نامه مردم، اعلام جرم کنید و حزب ما را مورد دشنامها و توهین و افتراهای بی‌برو و ناروا قرار دهید؟

حزب توده ایران نیازی به تحریف و جعل اخبار ندارد. حزب توده ایران نیازی به انتسابات نادرست بیچیکس ندارد. حزب توده ایران چهل سال است که از حقیقت، یعنی از استقلال، آزادی و ترقی ایران و سعادت توده‌های زحمتکش و محروم دفاع میکند و «مردم» اش فقط همین است و بهمین «مردم» هزاران قربانی داده است.

روزنامه جمهوری اسلامی که خود را پیرو خط امام میداند، میبایست برای افشای هر چه بیشتر توطئه‌های که در سیستان و بلوچستان از طرف امپریالیسم آمریکا و دست‌نشانده‌اش پاکستان علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تدارک بشود، بکوشد، نه اینکه حزب توده ایران را، که در افشای این توطئه میکوشد، مورد حمله خصمانه قرار دهد.

روزنامه جمهوری اسلامی که خود را هوادار وحدت خلق میداند، میباید ایجاد اختلاف و دامن‌زدن به اختلاف بهره‌یزد، زیرا تفرقه‌افکنی دام دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

ما که منادی اتحاد همه نیروهای انقلابی و خلقی هستیم و با تمام نیروی خود برای تحقق این آرمان مقدس بیکار نمیکنیم - و یکی دیگر از «مردم» هایمان هم همین است - از برخورد خصمانه و غیرمنطقی روزنامه جمهوری اسلامی به نامه مردم و حزب توده ایران عیقا متأسف و متحیریم، ولی در دام تفرقه‌افکنی نمی‌افتیم. امیدواریم روزنامه جمهوری اسلامی هم از افتادن در این دام بپرهیزد.

تشدید فعالیت‌های تجاویز کارانه برتری - طلبان چین علیه ویتنام قهرمان

برتری‌طلبان پکن، عملیات تجاوزکارانه خود علیه ویتنام قهرمان را شدت داده‌اند. رادیو هانوی گزارش داد که طی چند روز اخیر، نیروهای چینی بارها در خاک ویتنام تجاوز کرده و از جمله مناطق مرزی سیاسلات خاک‌نرم، کوزانکین و لانگسون - را زیر آتش گرفته‌اند. در نتیجه این حملات تعدادی از خانه‌های افراد غیرنظامی ویران شده و به مزارع آسیب وارد آمده است. بنابه گزارش رادیو هانوی تاکنون کشتیهای نظامی چین چندبار به آبهای ساحلی ویتنام تجاوز کرده‌اند.

طبق گزارش کمیسیون سرزمینهای اشغالی عرب شورای امنیت آبادیهای شبه‌نظامی در سرزمینهای غربی رود اردن را شامل می‌شود

کمیسیون سرزمینهای اشغالی عرب شورای امنیت سازمان ملل متحد در یک گزارش ۸۳ صفحه‌ای اعلام کرد که ایجاد آبادی‌های یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی عرب، به آوارگی و سرگردانی شمار روزافزونی از ساکنان این نواحی منجر می‌شود و فلسطینی‌های این مناطق برائی این سیاست شدیداً زیر فشار قرار دارند. این کمیسیون اعلام کرده است: «آبادیهای شبه‌نظامی اکنون ۳۳۴ درصد گراشه غربی رود اردن را دربر می‌گیرد». کمیسیون همچنین می‌افزاید: «صیونیستها قطعنامه‌های شورای امنیت را در مورد منع ایجاد آبادی در سرزمینهای اشغالی نادیده گرفته‌اند و ابتکار عمومی جهان باید این اقدام را محکوم کند».

اتحاد شوروی از مبارزه برحق خلقهای عرب از جمله خلق قهرمان فلسطین را ابراز داشت. عرفات از حمایت قاطع اتحاد شوروی سپاسگزاری کرد. لازم به یادآوری است که کوزتسوف برای مبادله اسناد تصویب قرارداد دوستی سوریه و اتحاد شوروی به دمشق رفته بود.

رویدادهای جهانی

رژیم صیونیستی اسرائیل از کارکنگره اعراب اسرائیلی جلوگیری کرد

صیونیستهای تل‌آویو، که همراه با هیئتلکهای آمریکایی خود سنگ «حقوق بشر» را به سینه می‌زنند، مایحیت خود را با جلوگیری از برگزاری کنفرانس اعراب‌ستمدیده اسرائیلی با دیگر نشان دادند. مناخسیم بکین، سردسته صیونیستها، طی فرمانی جریان کار «کنگره اعراب اسرائیل» راه که قرار بود در یکی از شهرهای عرب‌نشین اسرائیل برگزار شود، متوقف کرد. این کنگره با همکاری حزب کمونیست اسرائیل، اسرائیلی در پراسر جنایات صیونیستهای تل‌آویو حمایت می‌کند، سازمان‌دهی شده بود. بکین برای این اقدام پیش‌رمانه خود به قوانین مربوطه دوران استعمار انگلیس بر فلسطین استناد کرده‌است. لازم به یادآوریست که تعداد اعراب اسرائیلی (این عددها از اعراب سرزمینهای اشغالی هستند) بالغ بر ۵۰۰ هزار نفر است، که با آنان بعنوان شهروندان درجه دوم رفتار می‌شود.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق